پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۴۷ تابستان ۱۴۰۱
No.47 Summer 2022
۱۰۵-۸۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

تقابل مردم مشهد و سازمان مجاهدین خلق (۱۳۵۷-۱۳۶۱ش)

کبری نودهی: دانش‌آموخته دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ فشردگی و تنوع حوادث، یکی از ادوار مهم تاریخ ایران محسوب می‌شود. مشارکت حداکثری مردم نیز از پدیده‌های وابسته به انقلاب اسلامی است. یکی از این حوزه‌های مشارکت، نقش‌آفرینی مردم در ساحت دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و ایجاد امنیت بود. مجاهدین خلق یکی از گروه‌هایی بود که با شیب تند به یک محارب تبدیل شد و از مهم‌ترین چالشگران جامعه ایران در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب محسوب می‌شد. گروه‌های مردمی و مردم مشهد، هم در فاز سیاسی و هم در فاز نظامی، در نقش مخالفان آن ظاهرشده و در اشکال مختلف ازجمله مبارزات قلمی و تبلیغی، برخورد با برنامه‌ها، تجمعات و مراکز آن‌ها و به‌ویژه همراهی با حکومت و نیروهای نظامی در برچیدن شبکه آن‌ها در فاز نظامی، به ابراز مخالفت پرداختند. پژوهش حاضر می‌کوشد بر اساس اسناد و مطبوعات و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی واکنش‌های مردمی مشهد در مواجهه با سازمان مجاهدین خلق طی سال‌های ۱۳۵۷ش تا ۱۳۶۱ش بپردازد.

واژگان کلیدی: مشهد، مردم، مجاهدین، فاز سیاسی، فاز نظامی

Abstract

The first years after the victory of the Islamic Revolution in Iran is considered one of the most important historical periods. Press events and the diversity of its most important characteristics. In addition to the turnout comes to most areas of the phenomenon of Islamic Revolution. One of these areas was playing a role in the field of defense of the revolution and the Islamic Republic and the establishment of security. MKO was one of the groups that steep of a political organization at war had become a major challenger to Iranian society in those years. Mashhad people appeared on the political stage and in the military phase of the MEK in the role of opposition that their opposition in various forms: Among them was the press and advertising campaigns, dealing with programs, assembly and centers and especially with the government and armed forces to dismantle their network in the military phase. This article tries to pay on the basis of documents and press the popular reactions in the face of the organization during the years 1357 to 1361 in Mashhad.

Keywords: people, MKO ،Mashhad, political phase, military phase.

*نویسنده مسئول مکاتبات: (nodehi14@gmail.com)

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب از گروه‌های موافق تا گروه‌های مخالف حاکمیت جمهوری اسلامی و حتی گروه‌های متعدد کمونیستی، اجازه فعالیت سیاسی یافتند. سازمان مجاهدین خلق نیز با تمام قوا از مزایای این بهار سیاسی بهره برد، اما با مواضع رادیکال خود در شرایط خاص یک کشور تازه انقلاب کرده، چالش‌های جدی هم برای حاکمیت نوپا و هم برای مردم ایجاد کرد و درنهایت با اعلام جنگ مسلحانه، نقطه پایان خود در داخل کشور را رقم زد. التهابات سنگین سازمان بی‌پاسخ نماند و هم نیروهای نظامی و انتظامی و هم مردم به مقابله جدی با آن‌ها برخاستند و اگر این رویارویی محکم و منسجم نبود، چالش‌زایی آن‌ها ادامه می‌یافت، به‌ویژه آنکه کشور هنوز دارای دستگاه اطلاعاتی-امنیتی منسجم نبود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/۲۹۴؛ تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۶). پشتوانه اصلی نقش‌آفرینی مردم در این عرصه به جایگاه و نسبت آنان به انقلاب بازمی‌گشت: آنان سهامداران اصلی انقلاب بودند (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۱/۲). انقلابی که تبلور میراث فرهنگی و معنوی قرن‌ها حیات تمدن ایرانی، یعنی اسلام بود. مردم برای حراست از ثمره خون شهدای خود، پاسداری از نظام جمهوری اسلامی را وظیفه می‌دانستند. مردم ایران فراتر از آنچه در نظریه‌های امنیت مطرح می‌شود در راه مراقبت از نظام جدید هزینه دادند. مردم مشهد نیز همگام با سایر نقاط کشور، سهم بالایی در انزوا و سپس حذف منافقین از حیات سیاسی اجتماعی شهر به عهده گرفتند. مشهدی‌ها رشد تصاعدی مجاهدین خلق در نیمه دوم ۱۳۵۸ش را مهار و پس از اعلام جنگ مسلحانه آنان، با ایثار مثال‌زدنی در تصفیه این شهر مهم، اهتمام جدی از خود نشان دادند. شناخت سهم، وزن، اشکال و بازوهای این حرکت مردمی اهمیت و ضرورت بالایی دارد و حتی برخی از آن‌ها می‌تواند در ترسیم و تدوین الگوهای مشارکت اجتماعی برای زمانه کنونی کاربرد فراوان داشته باشد. هدف این پژوهش نشان دادن سیر واکنش‌های متقارن مردم و گروه‌های مردم‌نهاد مشهد علیه مجاهدین خلق در دو مقطع حیات آن‌ها یعنی فاز سیاسی و فاز نظامی[۱] پس از پیروزی انقلاب تا ۱۳۶۱ش است. پرسش‌های اصلی این پژوهش به‌این‌ترتیب خواهد بود: چرا مردم مشهد به‌سوی تقابل با مجاهدین خلق رفتند؟ گروه‌های مردمی مخالف با مجاهدین خلق در مشهد از چه سنخی بوده‌اند؟ اشکال مقابله مردم در فاز سیاسی و نظامی چگونه بوده است؟ چه نسبتی میان کنش سازمان و واکنش مردم وجود داشت؟ رویاروی‌های مردمی با مجاهدین خلق چه نتایجی در سطح شهر داشت؟ در این پژوهش تلاش خواهد شد نقش بی‌بدیل مردم در یکی از ابعاد جاری در انقلاب اسلامی یعنی دفع خطرات از انقلاب و همبستگی آن‌ها با سایر بازیگران عرصه امنیت داخلی، با تکیه‌بر شهر مشهد نشان داده شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری درباره مجاهدین خلق نگارش یافته که بخشی از آن توجه به نقش مردم در مقابله با آنان است. مجموعه سه‌جلدی *مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام*، *تروریسم ضدمردمی* و *منافقین خلق رودرروی خلق، از مجاهدین تا منافقین* نوشته مهدی حق‌بین، *تبار ترور* اثر محمدصادق کوشکی و *انقلاب اسلامی و سازمان مجاهدین خلق* اثر علی راستگو از منابع شناخته‌شده در این حوزه هستند، اما تمرکز این تحقیقات چه در مورد مجاهدین و چه در نیروهای مخالف آن‌ها اعم از دولتی و غیردولتی، بر تهران بوده و دیگر نقاط ازجمله مشهد تا حد زیادی مغفول مانده است. به‌طریق‌اولی توجه به نقش مردم در مواجهه با سازمان به‌مراتب گمنام‌تر مانده است. اشاراتی جسته‌گریخته در جلد چهارم مجله *نقش مشهد در انقلاب اسلامی* وجود دارد. شماره ۱۱۲ *شاهد یاران* نیز به شهید دیالمه و گروه او یعنی مجمع احیا تفکرات شیعی پرداخته است، اما اشارات هر دو مورد، مبتنی بر تاریخ شفاهی بوده، مصادیق محدودی را پوشش

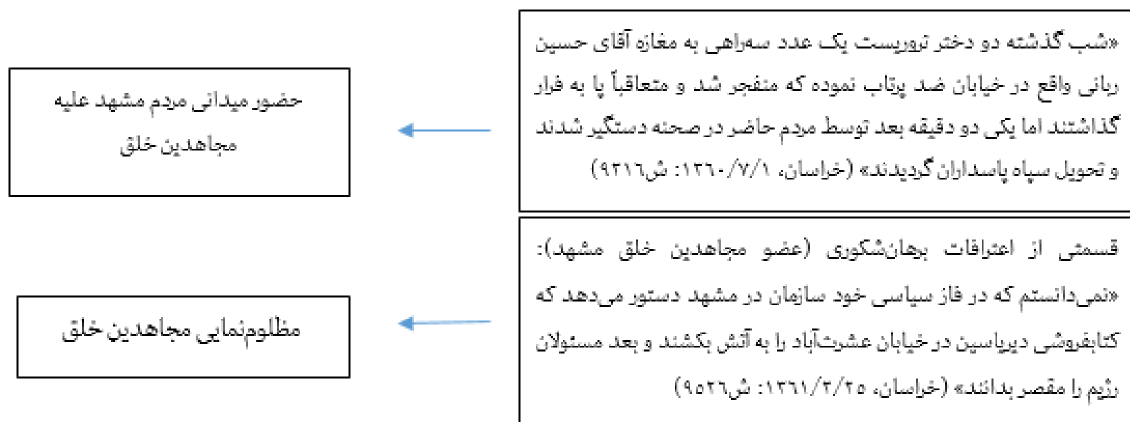
---

۱. مجاهدین خلق حیات خود پس از پیروزی انقلاب را به دو دوره تقسیم می‌کنند. به دوره‌ای که تلاش‌های سازمان بر اساس فعالیت‌های سیاسی و مدنی است «فاز سیاسی» گفته که تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ش ادامه دارد و به دوره پس از این مقطع که تقابل نظامی با حکومت جمهوری اسلامی رویکرد سازمان است «فاز نظامی» اطلاق می‌شود.

داده و استفاده از اسناد و مطبوعات مهم و مؤثر در این زمینه موردتوجه نبوده است. مجموعه ۵ جلدی *کارنامه سیاه* نیز که در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ از سوی دادستانی انقلاب اسلامی تهران منتشرشده و از منابع دست‌اول برای این پژوهش به‌حساب می‌آید نکاتی مختصر از مقابله مردم مشهد دارد. خاطرات طاهره باقرزاده با عنوان *قدرت و دیگر هیچ* اگرچه در تشریح فضای مشهد و مجاهدین خلق مشهد مفید است، اما نشان چندانی از مقابله‌های مردم پس از پیروزی انقلاب ندارد. در مجموعه چندین جلدی *سپاه در گذر انقلاب* که هنوز مجلدات جدید آن در حال چاپ است نیز می‌توان مختصری از تقابل مردم مشهد و مجاهدین خلق سراغ گرفت. اگرچه تلاش‌هایی توسط دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب برای ثبت خاطرات مردم مشهد در مواجهه با مجاهدین خلق انجام‌شده، اما تاکنون اثری از سوی آنان منتشرنشده است. این پژوهش مدعی است برای اولین‌بار به این موضوع ورود و درباره گروه‌های مردمی مشهد اولین اثر مستقل علمی را تولید کرده است.

روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله بر بنیاد روش تاریخی است. برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز، تمام منابع موجود و در دسترس، اعم از مطبوعات، اعلامیه‌ها، جزوات، کتاب‌ها و اسناد از هر دو سوی ماجرا (مردم و مجاهدین خلق) یادداشت‌برداری شده است تا احتمال یک‌سویه نگری تا حد امکان منتفی شود. اعتبارسنجی داده‌های تحقیق نیز با پیروی از الگوی نقد منابع تاریخی به دو طریق انجام گرفته است: ۱. نقد بیرونی ۲. نقد درونی. در مرحله تحلیل داده‌های تحقیق جهت احتراز از هرگونه اعمال سلیقه، اعتقاد شخصی و جداسازی‌های تصنعی برخی رویدادها برای اثبات نظرات کلی، از روش تحلیل کیفی «نظریه بنیادین[1]» استفاده شد. بر این پایه، ابتدا داده‌ها طبق مرحله اول نظریه بنیادین یعنی «کدگذاری باز»، کلیدواژه‌گزاری شد. مثال:



در گام دوم یا «کدگذاری محوری»، فرایند ربط‌دهی مفاهیم ایجادشده انجام‌شده. در این مرحله بود که مفاهیم دیگری مانند روابط کنش و واکنشی برخوردهای این دو طیف، بسترها و زمینه‌های آن و پیامدها رخ‌نمودند. در گام نهایی یعنی «کدگذاری انتخابی» محوری‌ترین مفهوم تحقیق یعنی «تقابل و رویارویی مستمر مردم مشهد با مجاهدین خلق در اشکال مختلف» شناسایی و تلاش شد به شکلی منسجم ارتباط آن با سایر مفاهیم تبیین شود.

تاریخچه سازمان مجاهدین خلق

سازمان مجاهدین خلق ایران از سازمان‌های دارای مشی مسلحانه بود که در فضای پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ش، در محمل دانشجویی شکل‌گرفته و تحت تأثیر اندیشه‌های نهضت آزادی و نیز مارکسیم به‌صورت توأم قرار داشت.

1.Grounded Theory

مبارزه مسلحانه با رژیم پهلوی آنان را به یک سازمان زیرزمینی بدل کرد که زیر ذره‌بین دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی به‌ویژه ساواک بود به همین جهت به‌سرعت کادر مرکزی و اعضای اصلی آن دستگیر شدند. تلاش برای برهم زدن جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، کشتن مستشاران امریکایی، سرقت مسلحانه بانک، انفجار دفاتر انجمن‌های انگلیس و امریکا و ترور مقامات ارشد نظامی رژیم ازجمله اقدامات آنان بود. اگرچه به دلیل پنهان بودن سازمان، عموماً به‌عنوان مبارزان مسلمان از آنان یاد می‌شد و شخصیت‌های مبرز انقلابی به آنان کمک مالی می‌کردند اما به دلیل تأثیرپذیری از مکتب مارکسیسم، سازمان در ۱۳۵۴ش دچار چرخش ایدئولوژیک شد، اسلام را کنار گذاشت و مبارزان مذهبی را در بهت فروبرد. فعالیت‌های سازمان در ۱۳۵۵ش و ۱۳۵۶ش به دلیل استیلای «تز رکود» موردنظر تقی شهرام (عامل اصلی چرخش ایدئولوژیک) کاهش یافت. با خروج او از ایران فضا برای اعلام رهبری سازمان توسط مسعود رجوی در زندان فراهم شد. اعضای سازمان در سایه مبارزات مردم در یک‌ماهه منتهی به پیروزی انقلاب آزاد و فعالیت مجدد سازمان آغاز شد. سازمان با جمع‌آوری گسترده سلاح وارد مرحله پس از پیروزی انقلاب شد. دفاتر متعددی در تمام نقاط کشور گشود و با تبلیغ و روایت حماسی از مبارزان و کشته‌شدگانش اعضای بسیاری به‌ویژه از میان جوانان و نوجوانان که شناختی از گذشته سازمان نداشتند جذب کرد. هرچند به دلیل غلبه قاطع اسلام‌خواهی در اهداف خود ازجمله ورود به رده‌های مدیریتی نظام جدید ناکام ماند. مواضع و عملکرد سازمان، تقابل با حکومت را افزایش داد و با نزدیک شدن به بنی‌صدر که او نیز چنین مسیری را می‌پیمود به پایان حیات سیاسی خود رسید و با اعلام جنگ مسلحانه درگیری‌ها و ترورهای خونینی از سطح ریاست جمهوری تا مردم عادی را رقم زد. با ضربه ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ش به فرماندهی سازمان در داخل کشور و کشف خانه‌های تیمی، شمار عملیات سازمان به‌شدت کاهش‌یافته و غالب اعضا برای ادامه این جنگ، به کشور متخاصم عراق منتقل شدند.

زمینه‌های مقابله مردم مشهد با مجاهدین خلق

برای پاسخ به پرسش چرایی مقابله مردم مشهد با سازمان مجاهدین خلق باید نسبت میان مردم و انقلاب روشن شود.

وقوع انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران به‌عنوان یک نظام دینی به‌منظور حراست و اقامه اسلام، آرمان بسیاری از دین باوران به‌ویژه امام خمینی(ره) بود که مبانی عقلی و نقلی پشتوانه آن بود. شرایط نامطلوب جوامع اسلامی و حاکمیت‌های ضددینی و وابسته به غرب و شرق و مهجور ماندن احکام اسلامی و عزت اسلام و مسلمین نیز مقوم آن شد. درهم‌آمیختگی وجه دیانت و سیاست جدا از سابقه ایرانشهری، جایگاه والایی در آرمان‌شهر اسلامی با مصادیقی چون حکومت رسول‌الله(ص) و امام علی(ع) داشت که زمینه‌های مؤثر پذیرش چنین اندیشه‌ای میان مردم ایران بود. امام خمینی(ره) به‌خوبی توانست رابطه لازم و ملزومی میان حفظ اسلام و دولت اسلامی را در اذهان ایرانیان تثبیت کند (معرفت، ۱۱۲:۱۳۸۷). از دیدگاه امام خمینی(ره) همان‌گونه که برای استقرار و اجرای احکام اسلامی تشکیل حکومت ضروری است، حراست از دولت اسلامی نیز برای پاسداری از مجموعه دین تردیدناپذیر است. سخن مشهور امام خمینی(ره) در واجب بودن حفظ نظام ناظر بر این اهمیت است (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸: ۱۹/۱۵۳).

دولت جمهوری اسلامی مثل هر نظام نوپدید که با گستردگی و شتاب جایگزین رژیم پیشین شده بود با تهدیدهای جدی روبرو شد که در هر دو حوزه داخلی و خارجی خود را نمایان کرد (داوری‌اردکانی، ۱۳۸۸: ۷۹). غائله‌های کردستان، ترکمن‌صحرا، خلق عرب، خلق بلوچ، جنگ هشت‌ساله صدام علیه ایران، سهم‌خواهی‌های جریان‌های سیاسی، تحریم‌ها، بحران روابط خارجی و امثال آن بخشی از تهدیدهای امنیتی علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی بود، اما پیوند عمیق میان مردم دین و رهبری این بحران‌ها را مدیریت کرده و تهدیدزایی آن را رفع کرد. مردم مسلح شده به بینش اسلامی، به‌سرعت در نقش حافظان نظام نوپای خود وارد میدان شدند و همچنان که امام خمینی(ره) حفاظت از حکومت اسلامی را وظیفه همگان اعلام کرد، در تمام سطوح تهدید، به واکنش پرداختند (دفتر سیاسی سپاه، بی‌تا: ۱۰-۹). مدیریت این جریان توسط جایگاه ولایت‌فقیه و شخص امام خمینی(ره) انجام می‌شد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۶۲).

سازمان‌های سیاسی معارض در داخل کشور یکی از سرچشمه‌های ضد امنیتی بودند که البته در سطح ضدیت با نظام و وزن آن‌ها در جامعه، دارای مراتب تشکیکی متفاوت بودند. به نظر می‌رسد بتوان سازمان مجاهدین خلق را بزرگ‌ترین گروه سیاسی خارج از حاکمیت در آن سال‌ها دانست که در نموداری رو به رشد، تهدیدات امنیتی خود علیه جمهوری اسلامی را افزایش‌داده و درنهایت با جنگ مسلحانه که بارزترین و بزرگ‌ترین مصداق تهدید امنیتی است آن را به بالاترین سطح رسانده است. سازمان که به دلایل متعدد از ورود به ساختار حکومت پس از پیروزی انقلاب جاماند، تمام توان خود را برای رسیدن به قدرت بسیج کرد. ورود به حاکمیت از طریق سازوکارهای سیاسی موجود از قبیل انتخابات و فشار به حاکمیت، دو رویکرد اصلی سازمان برای رسیدن به هدف بود که در صورت توفیق، ترکیبی از هر دو نیز قابل‌تصور می‌نمود (راستگو، ۱۳۸۷: ۲۴؛ کوشکی، ۱۳۸۷: ۳؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۹۴)، اما هر دو افق پیش روی سازمان از یک مسیر می‌گذشت: تبدیل سازمان به یک وزنه مهم سیاسی اجتماعی و قابل‌محاسبه در معادلات قدرت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۴۶). بدین منظور مجاهدین هرآنچه داشت وارد میدان کرد: جذب شخصیت‌های مطرح (ساکماق، ۱۴۰۰۸۸: ۱۳۵۹؛ دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۱: ۱۷)، اعلام کاندیدا برای انتخابات خبرگان قانون اساسی و مجلس شورای ملی (کوشکی، ۳:۱۳۸۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/۲۸۷)، برهم زدن آرامش سیاسی کشور با ادعاهای کاذب ازجمله تقلب در انتخابات و یا شکنجه زندانیان (مجاهد، ۱۳۵۹/۱۰/۲: ۳؛ ۱۳۵۹/۱۰/۹: ۱۶/۱۰/۱۳۵۹: ش۱۰۴)، تأسیس روزنامه، ائتلاف با سایر جریانات سیاسی (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۱۸)، ارتباط پنهان با سرویس‌های امنیتی خارجی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۹۶)، پارکشی بین‌المللی (مجاهد، ش۱۲۲،۱۲۱،۱۱۹،۱۹)، انبارکردن اسلحه، ایجاد شبه‌نظامیان نیمه‌وقت[۱] (تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۶) تشکیل سازمان‌های اقماری، تبلیغات میدانی قوی و مستمر در تمام شهرها، نفوذ در ارگان‌های نظامی و غیرنظامی و احزاب (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۶۳-۲۶۲)، برپایی تحصن‌ها و اعتراضات متعدد سیاسی و صنفی (دادستانی انقلاب اسلامی،۱۳۶۱: ۵۷/ ۱)، تحرکات اجتماعی شدید از برپایی میتینگ‌های (تجمع) چندهزار نفری و سخنرانی گرفته تا کوه‌پیمایی و کلاس‌های ایدئولوژی، اسلحه‌شناسی، تفسیر قران و نهج‌البلاغه (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۹۲، ۲۸۳، ۲۷۹، ۲۷۴) و تیم‌های شایعه‌پراکنی (خراسان، ش۹۵۷۳: ۲) و غیره. اگر سازمان با توفیق در هرکدام از رویکردهای اتخاذی، راهی حلقه مدیران و سیاست‌گذاران کشور می‌شد با توجه به عقاید و ایدئولوژی و پیشینه‌ی متعارض با منش، روش و محتوای انقلاب اسلامی، احتمال بروز بحران‌های امنیتی کلان ازجمله شکاف‌های عمیق حاکمیتی و حتی شدیدتر یعنی جنگ داخلی کاملاً متصور بود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۸۵). شواهد تاریخی البته گویای ناکامی آن‌ها در دستیابی به اهداف تعیین‌شده در فاز به‌اصطلاح سیاسی به دلیل عدم اقبال مردم به آنان بود که سازمان را وارد مرحله دیگر حیات خود، یعنی فاز نظامی کرد تا با اقدامات نظامی حکومت را ساقط کرده و خود قدرت را به دست بگیرند.

به‌هرروی مجاهدین خلق یکی از تهدیدات امنیتی بود که مردم ایران برای حفاظت از نظام برساخته خود باید با آن برخورد می‌کردند. بررسی حضور مردم و گروه‌های مردمی در صف مخالفان سازمان که در تمام کشور از پایتخت تا روستاهای دور افتاده گستردگی داشت نشان از اجابت حداکثری درخواست امام بود (دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۱: ۱۶). مردم مشهد نیز که دارای پیوندهای عمیق با اهداف انقلاب، رهبری امام خمینی(ره) و روحانیت انقلابی بودند و در جریان انقلاب اسلامی نیز هزینه و شهدای بسیاری تقدیم کردند از پیشتازان این جریان بودند. ناکام گذاشتن سازمان مجاهدین خلق در تهدید انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از بخش‌های مهم حافظه جمعی مردم مشهد در سال‌های ابتدایی انقلاب است. پشتوانه مردمی که به اعتراف مسعود رجوی هم انجامید. او در تحلیل شکست‌های پی‌درپی تیم‌های نظامی سازمان گفت: «ما در داخل کشور محاط

---

۱. که سازمان اصطلاحاً به آن میلیشیا می‌گفت.

بودیم». شاهسوندی از اعضای مرکزیت سازمان در تفسیر این جمله می‌گوید: «رجوی به علل سیاسی اجتماعی نمی‌پردازد در غیر این صورت باید گفته خود را تکمیل کند و بگوید توسط مردم محاط بودیم و یا اعتراف کند که بسیاری از این لو رفتن‌ها نه ناشی از گسترده بودن نیروهای امنیتی، بلکه ناشی از حمایت مردم از نظام و اطلاع دادن به آن‌ها بوده[...] اساساً وارد این سؤال نمی‌شود چراکه در انتها باید به پایگاه مردمی گسترده جمهوری اسلامی اعتراف کند و بطلان مبارزه مسلحانه با چنین نظامی» (لطفی و شاهسوندی، ۱۳۶۷: ۷۱).

مقابله مردم و گروه‌های مردمی مشهد با مجاهدین خلق

مقابله در فاز سیاسی

مجاهدین خلق بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، ماشین کسب قدرت را در تمام کشور به کار انداختند تا در صورت ناکامی در یک منطقه از توان دیگر نقاط استفاده کنند. همچنانکه گروه‌هایی مانند چریک‌های فدایی و یا کومله تنها در یک منطقه توانستند برای کشور بحران‌آفرینی کنند. ازآنجاکه مشهد بعد از تهران مهم‌ترین شهر کشور بود، مجاهدین چه پیش از انقلاب و چه پس از آن توجه ویژه‌ای به آن داشتند. در مشهد نیز مانند تهران (جعفری،۱۳۸۳: ۱۲۲) حیات تازه سازمان در دانشگاه صورت‌بندی شد (مراسان،۱۲۲۳۰:۱۱۰)، اما روند عضوگیری به‌سرعت به تمام اقشار تسری یافت. شاخه مشهد با تبلیغات خود اعضای بسیاری جذب‌کرد و تشکل‌های اقماری متعددی برای خود سامان داد. «انجمن دانشجویان مسلمان مشهد»، «انجمن دانش‌آموزان مسلمان مشهد»، «انجمن معلمان مسلمان مشهد»، «سازمان جوانان مجاهد»، «انجمن زنان مسلمان مشهد»، «انجمن حقوقدانان مسلمان»، «انجمن کارگران موحد مشهد»، «انجمن جوانان مسلمان محلات مشهد» و درمانگاه حنیف بخشی از آن بود.

سازمان از حمایت بی‌دریغ طاهر احمدزاده اولین استاندار خراسان پس از انقلاب و چند چهره دیگر از مدیران مهم شهر بهره‌مند بود که مسیر نفوذ و گسترش کمی را برای آنان تسهیل کرد (قنبری، ۱۳۹۱:۳۸). تبلیغات پرحجم در اسطوره‌سازی از سازمان (دادستانی انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۶: ۱۳/۵) و حمله به نیروهای اصیل و مؤمن انقلاب، برپایی مراسم‌های پرشمار در موضوعات مختلف، تشکیل نیروهای شبه‌نظامی و برپایی چندین رژه خیابانی توسط آن‌ها، مسلح بودن اعضا و مراکز سازمان، برپایی تحصن‌ها و اعتراضات، فشار بر مسئولین شهر برای اتخاذ تصمیمات هم‌سو با خود، اعلام کاندیدا در انتخابات خبرگان قانون اساسی و مجلس شورای ملی، برپایی اردوهای به‌اصطلاح سازندگی، اعزام تیم‌های امداد و نجات برای حوادث، مصادره اموال وابستگان پهلوی، حمله به مراکز مخالف خود و درگیری‌های خیابانی بخشی از اقدامات مجاهدین خلق در فاز سیاسی در مشهد بود (نودهی، ۱۳۹۶: ۴۰۲).

مشهد اما به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم حاضر در جبهه حمایت از انقلاب اسلامی، با سرعت و قدرت بالایی با اقدامات مجاهدین‌خلق که آن را در تعارض با انقلاب می‌دیدند برخورد کرد. در کمتر شهری مانند مشهد، مواجهه با مجاهدین، پیش از پیروزی انقلاب آغاز شد. (نقش مشهد در انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲: ۴۱/۳) مواجهه‌ای که به‌زودی رهبران (روحانیت)، بازوهای اجرایی (گروه‌های مردمی) و بدنه اجتماعی (عامه مردم) خود را پیداکرد و آن‌ها را در دستیابی به اهدافشان ناکام گذاشت. حرکتی هماهنگ که اگرچه فاقد مؤلفه‌های مصطلح تشکیلاتی بود، اما از جنس حرکت‌های منسجم و همگونی بود که بالاترین سطح قدرت، نفوذ و گستردگی نتایج عمیق و بادوام را دارا بود (نودهی و همکاران، ۱۳۹۶:۶۶).

مردم در به شکست کشانیدن اهداف مجاهدین در فازسیاسی نقش بسیار مهمی داشتند: حرکت و پویش مردمی که به‌آرامی و با همگنی بالایی در سراسر کشور به‌صورت مشابهی در حال انجام بود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/۳۶۰). این حرکت عمومی در هر شهر و منطقه‌ای از اجزایی تشکیل یافته بود که به‌مثابه واحدهایی مستقل اما به‌صورت نامرئی هماهنگ، ایفای نقش می‌کردند. این گروه‌های مردمی گاه به‌صورت تشکل‌های قابل‌شناسایی و گاه به‌صورت کلی، در مقابل برنامه‌های سازمان فعالیت می‌کردند. در شهر مشهد هر دو گونه آن در فاز سیاسی و فاز نظامیِ مصطلح مجاهدین، قابل‌مشاهده بود. فعالیت‌های مردمی در عمل نتایجی مشابه سایر نقاط کشور به دنبال داشت که در نگاه کلی سمت‌وسوی آن به‌صورت انزوای

مجاهدین خلق قابل‌رؤیت بود. به‌عبارت‌دیگر الگوی برخورد مردم مشهد با مجاهدین خلق با دیگر نقاط کشور همسانی‌های بسیاری داشت که نشانگر دو نکته است: ۱. مجاهدین عملکردی یکسان در کشور داشته‌اند و شاخه مشهد نیز بر اساس دستورات مرکز عمل می‌کرد.۲. مردم مشهد نیز در پیوستگی‌شان به‌نظام، آگاهی‌شان درباره خطر مجاهدین و آمادگی‌شان برای برخورد تا حد زیادی همسان با دیگر نقاط کشور بودند. آنچه درباره نقش مردم در ایجاد امنیت و تثبیت نظام مطرح شد به تمامه در مورد مردم مشهد نیز صادق بود. مردم و گروه‌های مردمی مشهد نقش قابل‌توجهی علیه تحرکات مجاهدین در فاز سیاسی و نظامی داشتند که در تاریخ مشارکت‌های مردمی این شهر منحصربه‌فرد است. این حرکت‌های مردمی، پاسخی متناسب با عملکرد و اهداف مجاهدین خلق بود. گروه‌های چپ فعال در مشهد به‌جز حزب توده و همفکرانش، با مجاهدین خلق همگام بودند و عموماً به‌عنوان موتلف آنان عمل می‌کردند. سازمان پیکار، چریک‌های اقلیت، وحدت کمونیستی، جنبش برای آزادی و ساش در فاز سیاسی مجاهدین چنین رویکردی داشتند (مراسان، ۱۰۰۱۳: ۷؛ خراسان، ۱۳۶۰/۷/۲۹: ۲؛ ۱۳۵۸/۵/۱۷: ۸؛ ۱۳۵۸/۴/۲۶: ۲؛ ساکماق، ۱۵۰۹۸۲: ۱). بنابراین صحبت از مجاهدین یعنی بخش زیادی از جریان چپ.

گروه‌های مردمی معارض با مجاهدین خلق در فاز سیاسی در مشهد

مردم مشهد نیز به‌طور مستمر، مستقیم و خودجوش در تمام عرصه‌های دفاع از انقلاب اسلامی حاضر بودند. علاوه بر این نقش بدون واسطه، در هرم توزیع و ریزش خواسته‌ها و خط‌مشی‌های امام به متن مردم، چندلایه زیرین‌تر تا رسیدن به مردم وجود داشت. یکی از این لایه‌ها، گروه‌ها و تشکل‌های واسطه‌ای بود که پیام امام را به‌تناسب محیط خود مفهوم‌سازی، مصداق‌یابی و اجرا می‌کردند. در صدر این لایه‌ها روحانیت مبارز انقلابی بود. در مشهد کسانی همچون شهید هاشمی‌نژاد، واعظ‌طبسی[1]، موسوی‌قوچانی و کامیاب را می‌توان نام برد که البته جایگاه بزرگ آنان نیاز به پژوهشی مستقل دارد. در پاسخ به سؤال دیگر پژوهش یعنی گروه‌های مردمی مقابله‌گر مشهدی با مجاهدین خلق از چه سنخی بودند باید گفت این گروه‌ها در فاز سیاسی در چند قالب ۱. تشکل‌های محلات، ۲. گروه‌های مذهبی و هیئات، ۳. اصناف ۴. جداشدگان از مجاهدین و ۵. تشکل‌های عام، قابل‌شناسایی هستند که در ذیل توضیحات بیشتری خواهد آمد.

تشکل‌های محلات: از پدیده‌های منحصربه‌فرد در تاریخ مشهد و مولود فضای انقلاب اسلامی است که به‌طور خاص واکنش علیه مجاهدین خلق از دلایل وجودی آن‌ها به شمار می‌رفت. (نودهی، ۱۳۹۶:۳۶۶) ازجمله این تشکل‌ها می‌توان به «انجمن اسلامی خیابان طبرسی»، «انجمن اسلامی جوانان کوی طلاب»، «جوانان مسلمان و مبارز کوی طلاب»، «جوانان مسلمان میدان شهدا»، «انجمن اسلامی خیابان شهدا»، «انجمن اسلامی محله دریادل» و «شورای محله عدل‌خمینی» اشاره کرد (نودهی، ۱۳۹۶: ۳۶۶-۳۶۷) ازآنجاکه شاخه مشهد مجاهدین دارای «نهاد محلات» فعالی بودند، انگیزه شکل‌گیری این تشکل‌های مردمی در محلات مشهد چنانکه از اسناد مرتبط با این گروه‌ها برمی‌آید، پاسخ به تحرکات مجاهدین بود. (ساکماق، ۱۵۱۰۷۸: ۱) این انجمن‌ها با فراخوان اعضای انقلابی، مذهبی و معتمد محلات و با هدف همراهی با انقلاب برای دستیابی به آرمان‌های آن تشکیل می‌شد که عموم اعضای آن جوانان بودند. کمک به دولت از قبیل مشارکت در برنامه‌های پاکسازی و عمرانی شهر، مبارزه با احتکار از طریق برقراری بازرسی‌های منظم، توزیع اقلام موردنیاز خانواده‌های نیازمند محله، برنامه‌های حفاظتی از محله در شرایط بی‌ثباتی ارگان‌های نظامی و انتظامی (ناشی از شرایط انقلاب) و رصد مراکز مرتبط با گروه‌های سیاسی به‌ویژه مجاهدین خلق و خنثی کردن اقدامات آنان ازجمله فعالیت‌های این

۱. این زمان ضلع سوم روحانیت مبارز مشهد یعنی آیت‌الله خامنه‌ای به دستور امام و برای تصدی مناصب حساس انقلاب، در تهران به سر می‌برد.

تشکل‌هاست. در سال‌های ابتدایی انقلاب فعالیت‌های تشکل‌های مردمی محلات به‌طور حتم صبغه‌های دینی هم داشتند اما به دلیل تأکید آن‌ها بر حضور اعضای یک محله برای واکنش و یا فعالیت در محدوده همان محلات، جدای از تشکل‌های دینی دسته‌بندی شد. گفتنی است که «نهاد محلات» مجاهدین، مشهد را به چهار منطقه ۱. طبرسی و طلاب، ۲. رضاشهر، ۳. احمدآباد و سناباد و ۴. منطقه ضد تقسیم کرده بود. صورت بیرونی این نهاد انجمن‌های متعددی بود که با عناوین مختلف ازجمله: «انجمن جوانان مسلمان چهارراه لشگر» (ساکماق، ۱۵۱۰۴۴: ۱)، «جوانان مسلمان عدل خمینی»، «جوانان مسلمان محله دریادل»، «انجمن مسلمانان عشرت‌آباد» (ساکماق، ۱۵۱۰۷۸: ۱) و مانند آن فعالیت می‌کردند. این انجمن‌ها درواقع قائده هرم «نهاد محلات» بودند که پس از شکل‌گیری نهاد محلات مشهد از زیرمجموعه‌های «بخش اجتماعی» سازمان در اواسط ۱۳۵۸ش، به‌تدریج ساختارهای خود را در محلات مشهد ایجاد کرد. هر محله شورایی داشت که از سه بخش سیاسی، امنیتی و نشریه تشکیل یافته بود که تیم‌های چند نفری را راهبری می‌کرد. این انجمن ها زیر نظر شورای محلات قرار داشتند. تلاش برای جذب عضو و هوادار، متصل کردن اعضای خود با دیگر بخش‌های سازمان در شهر مانند میلیشیا، انتظامات، نشریات و مانند آن، جمع‌آوری کمک‌های مالی و تهیه امکانات، رصد اقدامات مخالفان سازمان، پخش نشریات سازمان در محلات و انجام دستورات سازمان در رویدادهای گوناگون در محدوده جغرافیای خود از دیگر اقدامات این انجمن‌ها بود.

تشکل‌های اصناف: گونه دیگر تشکل‌های مردمی، تشکل‌های خودجوش مرتبط با اصناف مشهد مانند «کارکنان صنعتی کوچه ارگ مشهد»، «اتحادیه‌های شوراهای اسلامی اصناف کوی طلاب»، «انجمن اسلامی کسبه کوی طلاب» (ساکماق، ۱۲۸۲۳۵: ۱)، «گروهی از اصناف خیابان امام رضا(ع) و ۱۷ شهریور» (ساکماق، ۱:۱۲۸۶۱۴)، «اصناف خیابان شهدا مشهد» (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۷/۱۹: ۴) و «انجمن اسلامی اصناف» بود. این تشکل‌ها به‌واسطه سابقه مبارزاتی پیش از انقلاب، سرعت و تحرک بالایی در مواجهه با اقدامات مجاهدین در مشهد داشتند. پاسخگویی هم‌وزن و هم‌طراز به تشکل‌سازی مجاهدین خلق از میان اصناف، جزئی از دلایل وجودی این گروه‌های صنفی حزب‌اللهی بود. «جمعی از اصناف مسلمان مشهد»، «اصناف و بازاریان طرفدار مجاهدین خلق» و «اصناف مسلمان مشهد» (ساکماق، ۱۵۱۰۴۷: ۱؛ خراسان، ۱۳۵۸/۱۲/۱۳: ۲؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۰/۳۳۴؛ خراسان، ۱۳۶۰/۵/۲۵: ٦). نمونه‌هایی از هواداران صنفی مجاهدین خلق در فاز سیاسی بودند.

تشکل‌های مذهبی: نوع دیگر گروه‌های مردم‌نهاد مشهد که سهم بالایی در مقابله با مجاهدین خلق در مشهد داشت تشکل‌های مذهبی و به‌طور مشخص هیئت‌های مذهبی بودند. ازجمله «انجمن‌اسلامی مسجد سناباد» (ساکماق،۱۰۰۷۲٦: ۱)، اعضای مسجد هراتی‌ها، مسجد صاحب‌الزمان، مسجد حجت، مسجد المهدی، تکیه علی‌اکبریها و مسجد الله که در برخی مواقع به‌واسطه رهبری روحانیت، متحدانه عمل می‌کردند (مجاهد، ۱۳۵۹/۲/۲۹: ٦). در صدر این گونه، روحانیت مبارز بود که به دلیل اختیارداشتن شبکه ارتباطی گسترده با دیگر محافل مردمی و دانشجویی، نتایج مؤثرتری در کارنامه داشت و مجاهدین خلق نیز در برهم‌زدن مراسم‌های آنان تلاش بسیاری داشتند (دادستانی انقلاب اسلامی تهران، ۱۳٦۳: ۵/۷۹).

جداشدگان از مجاهدین: گونه دیگر مخالفان مجاهدین خلق در مشهد بودند. در این گروه طیف‌های متنوعی شامل شخصیت‌های معروف مانند سید احمد هاشمی‌نژاد-برادر شهید هاشمی‌نژاد-(مراسان، ۱۳۰۰۲: ۱) تا گروه‌های کمتر شناخته‌شده قرار داشتند. «جمعی از هواداران سابق سازمان مجاهدین خلق» (ساکماق، ۱۵۰۹۴٦: ۱)، «پویندگان راه شریف‌واقفی» (ساکما، ٦٦۳۸/ ۴۳: ۲)، «کفن‌پوشان شاخه ۱۷ شهریور و صمد بهرنگی» (ساکماق،۱۳۴۷۵۰: ۱) و «پویندگان راه پدرطالقانی» (ساکماق، ۲۸۷۹۲: ۱) گروه‌های بودند که جداشدگان از سازمان در آن متشکل شده بودند. افشاگری از ماهیت سازمان و پشت پرده برخی از اقدامات آنان برای شناخت بیشتر مردم مشهد از اهم فعالیت‌های این گروه‌ها بود.

تشکل‌های عام: نوع دیگر تشکل‌های مردمی ضد مجاهدین خلق در مشهد، تشکل‌های عام بودند که فارغ از پیوستگی مکانی، صنفی و سازمانی در تمام شهر مشهد فعالیت می‌کردند. ازجمله آن‌ها می‌توان به «ستاره اسلام»، «گروه افشاگری»، «پیروان امام خمینی»، «مبارزین اسلام»، «اخوان‌المسلمین مشهد»، «انجمن اسلامی بانوان مشهد»، «جوانان مسلمان پیرو خط امام»، «سازمان جوانان متعهد مشهد» و «مجمع احیا تفکرات شیعی» اشاره کرد. اعلام مواضع علیه گروه‌های چپ به‌ویژه مجاهدین خلق و مبارزات قلمی علیه آنان، عمده فعالیت‌های این گروه‌ها بود که هم سیاست و عملکرد مجاهدین در کل کشور و هم رفتارهای آنان در مشهد را در برمی‌گرفت. غالب این گروه‌ها با آشکار شدن زاویه سازمان با انقلاب و تبدیل آن به تهدید، شکل گرفتند. تعدادی از این گروه‌ها مجامعی بودند که پیش از انقلاب برای تقویت تفکر دینی به‌منظور ایمن‌سازی مردم به‌ویژه جوانان در مقابل مارکسیسم تشکیل شده بودند (مرکز بررسی اسنادتاریخی، ۱۳۷۷: ۱۷۳، ۱۴۶، ۱۴۰؛ خراسان، ۸۶۱۵: ۲). «مبارزین اسلام» شاخه فداییان اسلام در مشهد نیز از گروه‌هایی بود که مجاهدین خلق را مسبب بسیاری از ناآرامی‌ها در مشهد دانسته و تعارض جدی با آنان داشت (مراسان، ۱۰۰۱۳: ۲۳؛ سرجمعی،۱۳۸۷). گروه افشاگری نیز برای مبارزه تبلیغی علیه مجاهدین تشکیل‌شد (مراسان، ۱۰۲۰۵: ۳۵). از گروه‌های دانشجویی مخالف مجاهدین، «مجمع احیاء تفکرات شیعی» بود. فرد مؤثر آن سید عبدالحمید دیالمه بود. سابقه فعالیت‌های مبارزاتی این تشکل به سال ۱۳۵۲ش بازمی‌گشت. مبارزه با مجاهدین خلق از سوی آنان بلافاصله پس از اعلام تغییر ایدئولوژی سازمان در ۱۳۵۴ش آغاز شد که به‌صورت کار فکری بود. مجمع بعد از انقلاب نیز همچنان بر محوریت کار فکری تأکید داشت. مقابله با مجاهدین یکی از اولویت‌ها و البته به دلایل متعدد مهم‌ترین آن‌ها بود (قنبری، ۱۳۹۵). با شروع فاز نظامی اعضای شاخص آن توسط مجاهدین خلق ترور شدند (بانک، ۱۳۹۳:۱۸؛ عطایی، ۱۳۹۳:۲۰). گروه لوخی‌ها از گروه‌های مهم مردمی مشهد بود که به دلیل انتساب به نام بنیان‌گذار خود محمدحسن لوخی بدین نام شهره بود. این گروه در اواسط دهه ۵۰ و به امر روحانیت انقلابی شهر در منطقه طلاب مشهد تأسیس شد. آموزش‌های ایدئولوژیکی و چریکی اعضا، آنان را به افرادی مورد اعتماد در حوادث روزهای انقلاب و ایام ملتهب پس از آن بدل کرده بود. مقابله با فعالیت‌های مجاهدین خلق در عرصه سیاسی و بعدها در فاز نظامی از وجوه مهم حیات این گروه است. لوخی‌ها در ادامه به گروه مالک‌اشتر تغییر نام داد. عملکرد این گروه چندان مطلوب بود که بعدها حفاظت از بیت امام و شخصیت‌ها نیز به اعضای آن محول شد (متقیان، ۱۴۰۰).

«کانون امامت» از دیگر گروه‌های مردمی بود که سمت‌وسوی کار فکری و ایدئولوژیکی داشت و از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به امر روحانیت مبارز مشهد دایر شد. محل کانون ابتدا در ساختمان مهندس رحیم‌پور ازغدی واقع در نزدیکی مسجد مقبره بود و پس از مدتی به حسینیه سادات رضوی و ازآنجا نیز به خیابان خسروی منتقل شد. کلاس‌های عقیدتی، مهارتی و علمی با حضور اساتید برجسته در کانون تدریس می‌شد. کانون امامت محتواهای فرهنگی ازجمله فیلم، اسلاید و پوسترهای انقلابی تولید می‌کرد و کتابخانه بسیار فعالی داشت. این کانون که با حضور برخی از چهره‌های انقلابی مشهد و در جهت حمایت از انقلاب اسلامی، سامان‌یافته بود اعضایش بیشتر از تحصیل‌کردگان دانشگاه‌ها بودند و با تأسیس نهادهای انقلابی، بیشتر آن‌ها جذب این نهادها شدند. در برهه‌ای حسین عطاران که پیشینه مبارزات سیاسی داشت مدیریت کانون را به عهده گرفت. پس از روی کار آمدن بنی‌صدر این کانون اواخر ۱۳۵۸ش تعطیل شد. این کانون از حمایت آیت الله واعظ‌طبسی برخوردار بود. غلامرضا جلالی از فعالان انقلابی و محققان برجسته تاریخ معاصر مشهد عضو این کانون بوده و آشنایی با تفکر منطق شهید صدر و برخی دیگر از شخصیت‌ها را تدریس کرده است (جلالی، ۱۴۰۰).

در جایی که نیروهای دولتی و انتظامی مشهد (و حتی حزب جمهوری اسلامی مشهد) به دلیل تعهد و پایبندی به حراست از آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و نیز دوری از اتهامات مطرح‌شده توسط پایگاه‌های تبلیغی مجاهدین خلق و مؤتلفینش، توان برخورد با آنان را نداشتند (خراسان، ۱۳۶۰/۸/۸: ۲)، این گروه‌ها فارغ از این وابستگی‌ها، به‌عنوان یک گروه سیاسی به اقدامات سازمان واکنش نشان

می‌دادند. البته این گروه‌ها محدودیت‌هایی نیز داشتند: التزام به حکومت جمهوری اسلامی و اصول انقلاب ایجاب می‌کرد دست به هر حرکتی نزنند، در حالی که حریف آنان چنین محدودیتی نداشت. اتهام‌زدن بدون ارائه سند، استفاده ابزاری از زنان و دختران در تشکیلات (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/۲۷۶)، بی‌توجهی به حفظ نظم عمومی و امنیت و امثال آن مواردی بود که به‌کرات در میان مجاهدین و ازجمله مجاهدین مشهد دیده شد (دادستانی انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۶۳: ۶،۱۳،۲۶)، اما گروه‌های انقلابی مبارزه‌ای پاک را مدنظر داشتند. اگرچه حرکت در همین چارچوب‌ها بود که سبب حداقل برخورد نیروهای امنیتی و نظامی با آنان می‌شد.

اشکال برخورد مردم و مجاهدین خلق

تقابل مردم و گروه‌های مردمی با مجاهدین در مشهد از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب آغاز شد. این تقابل در آغاز شامل محافل خاص مبارزاتی می‌شد و سپس (همگام با اقدامات مجاهدین) دایره آن وسعت یافت. اشکال برخورد در فاز سیاسی را می‌توان در مقابله با ۱. بساط‌های مطبوعاتی، نمایشگاهی، ۲. تجمعات، ۳. مراکز سازمان، ۴. مبارزات تبلیغی، قلمی دسته‌بندی کرد که نتیجه آن توقف بلندپروازی‌های سازمان بود. مجاهدین خلق در مشهد با تبلیغات فراوان، نه به نام سازمان مجاهدین خلق، بلکه با عنوان «جنبش ملی مجاهدین مشهد» آغاز به کار کردند. به‌واسطه قدرت تبلیغی بسیار زیاد که برآیند تشکیلات قوی آن‌ها بود، جذب عضو موفقی داشتند. اوج توفیق آن‌ها نیمه دوم ۱۳۵۸ش بود. عدم شناخت مردم از گذشته سازمان و تأکید رهبران بر برائت از مارکسیست‌ها در موفقیت آن‌ها تأثیر داشت (راستگو، ۱۳۸۴: ۳۳؛ تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۵). مخالفت با مجاهدین در آغاز محدود به برخی مبارزان سیاسی شهر بود (قنبری، ۱۳۹۵) و کم‌کم به‌واسطه عملکرد مجاهدین مقابل انقلاب، به گروه‌های مردمی و سپس تمام اقشار مردم گسترش یافت.

مقابله با بساط‌ها و نمایشگاه‌ها

بساط‌های مطبوعاتی یکی از ابزارهای مهم مجاهدین برای تبلیغ و جذب عضو بود. بسیاری افراد علاقه‌مند توسط این بساط‌ها به تشکیلات وصل می‌شدند. به همین جهت مخالفان نیز حساسیت ویژه‌ای روی آن داشته و تلاش می‌کردند اثرات آن را خنثی کنند. آن‌ها در قالب دسته‌های چندنفری به بحث با مجاهدین می‌پرداختند. این بحث‌ها همیشه با مسالمت پایان نمی‌یافت و دو طیف در دسته‌هایی گاه تا ۱۵۰ نفر با هم درگیرمی‌شدند (مراسان، ۹۵۰۵: ۸؛ مجاهد، ۱۳۵۹/۲/۱۲: ۵؛ ساکماق، ۱۰۰۷۰۳: ۱). بساطی‌های مجاهدین و تیمی که در این زمینه وجود داشت (شامل فروشنده، محافظ، خوانندگان و خریداران صوری) خود عامل مهم ایجاد این بلواها بودند (دادستانی انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۶۳: ۱۳۰/۳)، اما در اقدامی هماهنگ، از دادستانی برخورد با کسانی را می‌خواستند که طبق نقشه قبلی، آنان را به درگیری کشانده بودند. این درگیری‌ها در ۱۳۵۹ش به سبب اعلامیه‌های تحریک‌آمیز سازمان و نیز طرح بحث‌های جنجالی توسط تیم بساط، شدت یافت. نتیجه، فضای ملتهبی بود که حضور نیروهای انتظامی را الزامی می‌کرد. مجاهدین خلق به مخالفان خود عنوان چماق‌دار و قداره‌بند می‌دادند (ساکماق، ۱۳۶۷۷۷: ۱؛ خراسان، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲: ۴). بساط نشریات در بیشتر نقاط مشهد وجود داشت اما تمرکز آن‌ها در خیابان دانشگاه (قلب سیاسی مشهد در آن سال‌ها) بود. تیم بساط چون دم دست‌ترین نمایندگان سازمان بودند، مردم نیز واکنش خود نسبت به سیاست‌ها و عملکرد سازمان را به آنان اظهار می‌کردند. با نزدیک شدن به خرداد ۱۳۶۰ش خط سازمان برای این بساط‌ها ایجاد درگیری فیزیکی بود (باقرزاده، ۹۱:۱۳۷۳). اگرچه این نقشه همیشه پیاده نمی‌شد و مردم به‌سرعت بساط فروش نشریه آنان را جمع می‌کردند (دادستانی انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۶۳: ۱۳۰/۳). نمایشگاه‌هایی که سازمان به مناسبت‌های مختلف برپا می‌کرد نیز گاه باعث رویارویی مردم می‌شد. از آن جمله نمایشگاه تبلیغ کاندیداهای سازمان برای اولین دوره مجلس در مشهد بود. محتواهای بعضاً مخالف با انقلاب و مسئولین باعث واکنش مردم شده و به درگیری با گردانندگان نمایشگاه انجامید که از هر دو طرف مصدومانی به‌جا ماند (خراسان، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲: ۲).

پاسخگویی به تجمعات و برنامه‌ها

برنامه‌های خاص سازمانی که تنها اعضا و زیرمجموعه‌های مجاهدین خلق در آن شرکت می‌کردند عموماً بدون رویداد خاصی پایان می‌یافت، اما برنامه‌هایی که هواداران دیگر سلایق نیز در آن شرکت می‌کردند، معمولاً با واکنش مردم و گروه‌های مردمی روبه‌رو می‌شد ازجمله: ۱. درگیری با برگزارکنندگان سخنرانی تشریح حکومت‌های سوسیالیستی (ساکماق، ۲۸۷۹۲: ۲-۱؛ ۱۵۰۹۸۵: ۱). ۲. مقابله با سخنرانی‌های دفتر همکاری‌های مردم با ریاست‌جمهوری که عمده برنامه‌ریزان و شرکت‌کنندگان آن اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق بودند. ازجمله سخنرانی سید حسین خمینی در حرم مطهر که با واکنش مردم نیمه‌تمام ماند (مجاهد، ۱۳۶۰/۲/۷: ۳) و یا درگیری با اعضای سازمان که در انتهای سخنرانی جعفری و سلامتیان به دفتر حزب جمهوری اسلامی مشهد حمله کرده و به آن خسارت زده بودند (خبرنامه خراسان، ش۳: ۱؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۳۲۱/۷). ۳. مقابله مردم با فعالیت‌های مجاهدین در حمایت از بنی‌صدر ازجمله سفر او به مشهد در اسفند ۱۳۵۸ش. ۴. مقابله با تظاهرات مجاهدین خلق پیش از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ش که از آن به‌عنوان تظاهرات بنی‌صدری یاد می‌کنند (مراسان، ۱۰۲۳۰: ۲۱). ۵. تجمع برای آزاد کردن دانشجویان مجمع احیا تفکرات شیعی که توسط مجاهدین خلق گروگان گرفته شده بودند (ساکماق، ۱۵۰۹۷۷: ۱؛ خراسان، ۱۳۵۸/۱۲/۳: ۲). ٦. مقابله با تجمع اعتراضی دانشجویان و دانش‌آموزان عضو مجاهدین پیرو دستگیری محمدرضا سعادتی (خراسان، ۱۳۵۸/۴/۱۷: ۱). ۷. مقابله مردم با دانش‌آموزان متحصن عضو مجاهدین خلق در محل آموزش و پرورش (نسل انقلاب، ش۳: ۲). ۸. تجمع اعتراضی مردم مقابل رادیو مشهد در پی قرائت گزارش جانبدارانه از مجاهدین خلق مشهد (خراسان، ش۸۹۰۷: ۲). ۹. تجمع در میدان بیت‌المقدس برای مقابله با گردهمایی مجاهدین خلق (مجاهد، ۱۳۵۹/۲/٦: ۳). ۱۰. مقابله خودجوش گروه‌های مردمی با تجمع اعتراضی «انجمن دانش‌آموزان مسلمان مشهد» بازوی دانش‌آموزی مجاهدین (ساکماق، ۱۰۰۷۴٦: ۱؛ ۱۰۰۵۷٦: ۱).

اعتراض به مراکز و ساختمان‌های مجاهدین

مقابله با مراکز سازمان و زیرمجموعه‌هایش نیز توسط مردم مشهد به‌کرات رخ‌داد. مجاهدین مشهد در فاز سیاسی مراکز متعددی در سطح شهر داشتند. ازجمله دفتر «انجمن معلمان مسلمان» در میدان سعدی، دفتر «انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد» در مسجد دانشگاه، دفتر «انجمن دانش‌آموزان مسلمان مشهد» در خیابان جم، «سازمان جوانان مجاهد» در کوهسنگی، درمانگاه‌های نهاد امداد در خیابان‌های گاز، آبکوه و گرجی‌سفلی و مقر اصلی جنبش در خیابان بهشت. در کنار این مراکز، ساختمان‌های فرعی‌تر مانند کتابخانه‌های انجمن‌های محلات ازجمله کتابخانه طالقانی، کتابفروشی شریعت، ۱۷ شهریور و توحید (ساکماق،۱۳۵۹:۱۳۵۸۰۲/۵/۱۹) نیز وجود داشتند.

برخی از رویارویی‌های مردم در ادامه خواهد آمد: ۱. تجمع مردم مقابل ساختمان «سازمان جوانان مجاهد» در کوهسنگی برای وادار کردن آنان به تحویل سلاح (کار، ۱۳۵۸: ش۱۹؛ خراسان، ۱۳۵۸/۵/۱٦: ۸۷۱۵)، چراکه تنها گروهی که در مشهد از مراکز خود مسلحانه مراقبت می‌کرد مجاهدین خلق بود (ساکماق، ۱۳۷۴۳۳: ۱). ۲. اعتراض مردم به ساختمان اصلی مجاهدین در خیابان بهشت در ۱٦ تیر ۱۳۵۹ش (ساکماق، ۱۵۰۹۹۱: ۱؛ نور ایران، ش۱۷: ۲) در پی تحرکات مشکوک سازمان. ۳. مقابله با درمانگاه‌های نهاد امداد مجاهدین ازجمله در آبکوه در آبان ۱۳۵۹ش (خراسان، ۱۳٦۰/٦/۳۱: ۲) که با پوشش فعالیت‌های درمانی رایگان برای طبقات پائین (خراسان، ۱۳۵۸/۲/۱۰: ۵) به تبلیغ مجاهدین می‌پرداختند. ۴. اخراج مجاهدین از دفاتر دانشگاهی در ۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۵۹ش (مراسان، ۱۱۴۸۸: ۱۷؛ خراسان، ۱۳۵۹/۱/۳۱: ۷) به دلیل فعالیت‌های خلافشان در دانشگاه. ۵. تصرف مقر اصلی مجاهدین در خیابان بهشت توسط مردم (مجاهد، ۱۳۵۹/۲/۱: ۱؛ ۱۳۵۹/۲/۲: ۱: خراسان، ۱۳۵۹/۲/۱: ۸؛ ۱۳۵۹/۲/۲: ۲). ٦. تجمع اعتراضی مقابل کتابخانه طالقانی وابسته به مجاهدین در محله دریادل مشهد (مجاهد، ۱۳۵۹/۲/۲۹: ۸). ۷. اعتراض شدید به کتابفروشی‌های شریعت، توحید و ۱۷ شهریور (کتابفروشی‌های وابسته به سازمان) توسط جوانان خط امامی (ساکماق، ۱۳۵۸۰۲: ۱).

مبارزات محتوایی-مطبوعاتی

محورهای فعالیت‌های محتوایی علیه مجاهدین خلق، اعلام مواضع در برابر عملکرد سازمان و شناساندن اهداف آنچه در بعد کلی و چه در سطح مشهد بود که غالباً به‌صورت نشریه، جزوه و بیانیه، بود. اکثر گروه‌هایی مردمی که اشاره شد در این عرصه فعال بودند. یکی از پرکارترین آن‌ها «سازمان جوانان متعهد مشهد» بود که از ۴۰ نشریه مفصل آنان در این عرصه اطلاع داریم. علاوه بر این نشریات، در مناسبت‌های گوناگون نیز به صدور اطلاعیه و بیانیه می‌پرداختند. نشریات این گروه به لحاظ سبک و ادبیات نوشتاری در سطح خوبی بوده و محتوای آن نیز نشان از آگاهی سیاسی بالای نویسندگانش دارد. دوام و پرکاری این گروه محصول ساختار بادوام آن بود. اوج فعالیت‌هایش نیز سال‌های ۱۳۵۹ش و ۱۳٦۰ش بود. افشای چهره پنهان سازمان (با انتشار تحلیل درون‌گروهی آن‌ها)، همدستی‌های بنی‌صدر و مجاهدین خلق، برنامه‌ریزی سازمان برای انحصار فکری اعضا، تشکیل بخش شبه‌نظامی سازمان، جلسات مختلط دختران و پسران، مبارزه علیه ارگان‌های انقلابی و اهداف پشت پرده آنان (ساکماق، ۱۲۸٦۸۳: ۲؛ ۱۴۰۰۸۲: ۱).

بخشی از مضامین نشریات این گروه بود. بیانیه شکل عام‌تر فعالیت‌های قلمی این گروه‌ها بود که افشای اهداف و اقدامات ضد امنیتی سازمان بخش پررنگ آن به‌حساب می-آمد. از این دست بیانیه‌ها به‌وفور وجود دارد که تنها به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. بیانیه «جوانان مسلمان و مبارز کوی طلاب» در محکومیت جلسه سخنرانی مجاهدین خلق در حمله به جمهوری اسلامی (ساکماق، ۲۸۷۹۲: ۱-۲). ۲. بیانیه «جوانان مسلمان میدان شهدا» به مردم مشهد در لزوم هوشیاری درباره اهداف سخنرانی‌های برگزارشده توسط دفتر هماهنگی مردمی ریاست‌جمهوری و افشای چهره مجاهدین خلق (ساکماق، ۱۲۵۳۲۱: ۱). ۳. تشریح حوادث انقلاب فرهنگی دانشگاه مشهد، علل و نقش مجاهدین در ایجاد آن در بیانیه «انجمن اسلامی جوانان کوی طلاب» (مراسان، ۱۰۰۱۳: ۲۲). ۴. بیانیه‌های متعدد گروه افشاگری در تشریح سابقه مجاهدین در سرقت اموال مصادره شده، عملکرد کادرهای پزشکی و پرستاری مجاهدین در ماجرای انقلاب فرهنگی و تصرف مقر مجاهدین مشهد (ساکماق، ۱۲۰۲۱: ۲-۱). ۵. بیانیه «انجمن اسلامی خیابان طبرسی» در نقد عملکرد مجاهدین، پیوندشان با بنی‌صدر و تشریح موضع امام درباره سازمان (ساکماق، ۱۵۱۰۳۳: ۱). ٦. بیانیه‌های «انجمن اسلامی بانوان مشهد»، «انجمن اسلامی کسبه کوی‌طلاب» و «انجمن اسلامی مسجد سناباد» در محکومیت ترورهای مجاهدین در مشهد و افشاگری علیه آنان (ساکماق، ۱۲۸٦۰۳: ۴؛ ۱۲۸٦۱۴: ۱؛ ۱۲۸۲۳۵: ۱). ۷. بیانیه «سازمان اخوان‌المسلمین مشهد» درباره اقدامات مجاهدین در مشهد (مراسان، ۱۱۱۲۰: ٦). ۸. اطلاعیه-«پویندگان راه شریف‌واقفی» در افشای اسنادی از همکاری مشکین‌فام -از اعضای مجاهدین خلق مشهد- با ساواک که مجاهدین از او یک اسطوره ساخته بودند (ساکما، ٦٦۳۸: ۴۳). ۹. بیانیه «پویندگان راه پدر طالقانی» درباره زاویه سازمان با امام و طالقانی و انحرافات تشکیلات مجاهدین (ساکماق، ۱۳۵۷۵۸: ۱). ۱۰. بیانیه «جمعی از هواداران سابق سازمان مجاهدین خلق» در تضاد ایدئولوژی مجاهدین با اسلام، انبار کردن سلاح، همکاری با کمونیست‌های ملحد و نفاق سازمان (ساکماق، ۱۵۰۹۴٦: ۱).

مجموع اقدامات مردم سبب می‌شد سازمان در دستیابی به اهداف تعیین‌شده خود آنچنان توفیق نیافته و بخشی از توان خود را مصروف مقابله با آن کند. اساساً در تصور توهمی سازمان، مقابله مردم با آنان دیده نشده بود و تبلیغ بسیاری بر روی ذهن اعضا انجام می‌شد که مردم هوادار آن‌ها هستند و تنها با یک جرقه به‌صف پشتیبانان آنان خواهند پیوست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۴۵۲/۲؛ دادستانی انقلاب اسلامی، ۱۷۰:۱۳٦۱)، اما هرروز با ضربات پیش‌بینی‌نشده‌ای از سوی مردم مواجه می‌شدند.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان بیان داشت رویاروی‌های مردمی در ۱۳۵۸ش یعنی زمانی که مجاهدین خلق پایبندی بیشتری به قواعد کشور و انقلاب نشان می‌دادند، در حد ابراز مخالفت و طرح شعار بود. در ۱۳۵۹ش و آشکار شدن اختلافات اساسی آن‌ها با انقلاب، اعتراضات مردمی با درگیری‌های فیزیکی همراه بود. البته نباید از سهم بالای سازمان در به درگیری کشاندن اعتراضات و متهم کردن طرف

مقابل به چماق‌داری گذشت (مراسان، ۱۱۳۴۷: ۴). در این سال تعداد تجمعات مردم افزایش یافت. گروه‌ها و اقشاری که در آن شرکت می‌کردند تنوع بسیاری داشت (همان، ۲۹۹۳: ۱). در اواخر ۱۳۵۹ش و بهار ۱۳۶۰ش جبهه‌بندی میان مجاهدین خلق و مخالفانش شفاف‌تر شده و فهم معادلات مجاهدین برای مردم آسان شده بود. در این مقطع صحنه عیان‌تر از آن بود که مردم برای تشخیص اهداف سازمان به افراد و گروه‌های پیشتاز نیاز داشته باشند، بنابراین زمانی که مجاهدین فاز سیاسی را خاتمه دادند، فعالیت‌های ضد سازمان که حول گروه‌های مختلف مردمی شکل می‌گرفت، میان آحاد مردم عمومیت یافت.

درواقع، مرور تقویمی فعالیت‌های اعتراضی مردم و گروه‌های مردمی از بیانیه تا حضور میدانی علیه شاخه مشهد، گویای وابستگی کامل این اقدامات با تحرکات سازمان است. همچنانکه پس از اتخاذ راهبرد لاک دفاعی و متوقف کردن فعالیت‌های علنی در پی سخنرانی افشاگرانه امام در تیر ۱۳۵۹ش، اعتراضات مردمی علیه سازمان کاهش شدیدی نشان داد و نشانگر آن بود که هر زمان سازمان بخواهد این تنش‌ها را می‌تواند متوقف کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/۳۷۵). اعترافات بسیاری از بازداشت‌شدگان وجود راهبرد تنش‌زایی و التهاب‌آفرینی را از سوی مرکزیت سازمان برای بهره‌برداری‌های مدنظر ازجمله مظلوم‌نمایی، تسهیل مراحل شورشگری اجتماعی و درنهایت ورود به فاز نظامی تائید می‌کند. (دادستانی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳: ۵/۳۱-۳۰؛ دادستانی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳: ۱۴۵/۳؛ خراسان، ۱۳۶۰/۱۱/۷: ۸-۷) اکثر تحرکات برشمرده در این پژوهش نیز واکنشی هستند. سازمان ابتدا کنشگری می‌کرد و سپس واکنش مردمی را به چشم می‌دید. عدم وجود اخبار این گروه‌های مردمی در اسناد و مطبوعات و اساساً ناپدید شدن آن‌ها همزمان با اتمام خطر مجاهدین نیز شاهدی دیگر از این رابطه تنگاتنگ است.

برخورد در فاز نظامی

غلبه تفکر «مبارزه برای مبارزه»، بالاخره مجاهدین را وارد فاز برخورد نظامی با جمهوری اسلامی کرد. (لطفی و شاهسوندی، ۱۳۶۷: ۶۱) ضربات نیروهای نظامی عامل مهم فروپاشی تشکیلات زیرزمینی مجاهدین در مشهد بود اما این توفیقات بر پایه همکاری‌های گسترده مشهدی‌ها بنا شد. تشکیلات، تدابیر اتخاذشده و گستردگی اعضای سازمان به میزانی بود که بتواند چالشی درازمدت را به کشور تحمیل کند. مجاهدین چون دارای یک دوره زندگی آشکار بودند، بخش مهمی از اعضای خود را به‌صورت بالفعل در معرض شناخت مردم و نیروهای نظامی قرار داده بودند (راستگو، ۱۳۸۴: ۴۷). زمانی که تلاش می‌کردند خود را گسترده و وزنه‌ای سنگین نشان دهند، عملاً بزرگ‌ترین ضربه را به خودشان وارد کرده بودند. بدین ترتیب بود که نیروهای نظامی شناخت خوبی نسبت به افراد، تشکیلات و ساختار آنان داشتند. اگرچه این شناخت با شروع فاز نظامی کمی تغییر کرد چراکه سازمان به‌طورکلی تحرک بالایی در مناصب و مسئولیت‌هایش داشت که این امر در فاز نظامی به دلایل متعدد پیچیده‌تر هم شد. در مشهد نیز این‌چنین بود. با تغییرات گسترده مسئولیت‌ها و ساختار سازمان، اطلاعات پیشین سودمندی چندانی برای نیروهای امنیتی نداشت اما این خلأ با همکاری بازداشتی‌های سازمان مرتفع شد. این افراد گاه بالغبر ۲۰۰ نفر از شاخه خراسان را با ذکر سوابق تشکیلاتی معرفی می‌کردند (مراسان، ۱۱۳۴۷: ۲۸).

با آغاز فاز نظامی مقابله مردم مشهد با آنان جدی‌تر شد. اطلاعات مردمی، پایه اصلی انهدام شبکه مجاهدین خلق در مشهد بود. در بیشتر گزارش‌های روزنامه خراسان، کشف و انهدام خانه‌های تیمی، محصول اطلاعات مردمی عنوان‌شده است. گزارش‌هایی که در بسیاری مواقع توسط اعضای خانواده آن‌ها به نیروهای اطلاعاتی و نظامی داده می‌شد (خراسان، ۱۳۶۰/۴/۲۴: ۵؛ ۱۳۶۰/۷/۲۲: ۳). خرداد ۱۳۶۰ش و اندکی پس از آن اقدامات مجاهدین در مشهد ترکیب تظاهرات-عملیات مسلحانه بود. در این مرحله مردم حضور میدانی قدرتمندی داشتند و علی‌رغم آنکه منافقین در مشهد از انواع سلاح‌های سرد مانند چاقو، پنجه‌بکس، زنجیر و حتی آجر، سنگ و آب‌اسید (خراسان، ۱۳۶۰/۶/۳۰: ۴؛ ۱۳۶۰/۴/۱۶: ۴) و سلاح‌های گرم استفاده می‌کردند، نقش مؤثری در خاتمه این تظاهرات به عهده می‌گرفتند. سازمان در مشهد پس از ۳۰ خرداد، چندین تظاهرات مسلحانه برپا کرد. ازجمله آن‌ها در چهارراه شهدا (خراسان، ۱۳۶۰/۱۰/۲۷: ۲)، خیابان دانشگاه، چهارراه عامل، چهارراه

نخریسی (خراسان، ۱۳۶۰/۹/۸: ۲)، خیابان ضد (خراسان، ۱۳۶۰/۸/۲۵: ۲) و میدان شهدا بود. این تظاهرات دارای مسئول راه‌اندازی، تیم عمل‌کننده و تیم حفاظت بود، اما گستردگی مردم در مقابله با آن‌ها، اجازه فعالیت چندانی به منافقین نمی‌داد (خراسان، ۱۳۶۰/۱۱/۷: ۱).

از اقدامات مردمی که در ابتدای فاز نظامی انجام شد دستگیری علی تهرانی بود. او از مبارزین سیاسی مشهد پیش از انقلاب بود که پس از پیروزی مناصبی مانند ریاست دادگاه انقلاب مشهد و عضویت مجلس خبرگان را عهده‌دار بود. تهرانی از اواخر ۱۳۵۸ش به سمت مجاهدین متمایل شده و طی سال‌های ۱۳۵۹ش و ۱۳۶۰ش با آنان هم‌داستان شد. از او در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ش همزمان با اعلام جنگ مسلحانه منافقین، فتوایی در تائید مواضع آن‌ها و لزوم مقابله با جمهوری اسلامی منتشر شد که مردم به‌واسطه نقش مخرب او در وضعیت پیش‌آمده، دستگیرش کردند (خراسان، ۱۳۶۰/۴/۷: ۷). محور کیفرخواست او اقدامات ضد امام و انقلاب و سوق دادن جوانان به‌سوی مجاهدین خلق بود (مراسان، ۲۹۸۰: ۱). تهرانی حصر خانگی گردید، اما در فروردین ۱۳۶۳ش توسط منافقین به عراق برده شد.

پس از ورود منافقین به فاز تخریب و ترور، نحوه مقابله مردم نیز تغییر کرد. تمرکز مجاهدین در فاز نظامی بر بخش نظامی سازمان بود. این بخش از تیم‌های گشت و مراقبت و نیروهای عملیاتی تشکیل شده بود. تیم‌های گشت و مراقبت مسئولیت شناسایی سوژه‌های ترور و تخریب را به عهده داشت (خراسان، ۱۳۶۱/۲/۱: ۲۵؛ ۱۳۶۰/۱۰/۷: ۱؛ ۱۳۶۱/۸/۱۸: ۲؛ ۱۳۶۰/۷/۲۷: ۶) تیم‌های عملیاتی نیز دارای مراتب متفاوتی بود. بخشی از آن تیم‌های درجه‌دو گفته می‌شد که تیم‌های تخریب و یا گروه‌های آتش نیز نامیده می‌شدند. پرتاپ کوکتل‌مولوتف، سه‌راهی و انفجار کپسول گاز ازجمله اقدامات آنان بود (مراسان، ۹۳۳۵: ۶؛ خراسان، ۱۳۶۰/۸/۲۶: ۲). نوع دیگر تیم‌های عملیاتی گروهان‌های نظامی بودند. ازجمله آن‌ها گروهان مشکین‌فام، گروهان احمد رضایی و گروهان فاطمه امینی بودند که انجام ترورها را به عهده داشتند (مراسان، ۱۲۲۳۰: ۵؛ خراسان، ۱۳۶۰/۹/۸: ۵).

نقش‌آفرینی مردم در این مرحله به چند صورت بود. با شروع فاز نظامی موج اول عملیات ترور متوجه شخصیت‌های برجسته و افراد مؤثر شهر ازجمله ترور شهید هاشمی‌نژاد، حجت‌الاسلام کامیاب، حسین آستانه‌پرست، واعظ طبسی و فرزانه بود. ترور نیروهای نظامی به‌ویژه سپاه پاسداران نیز موج دوم این ترورها بود. ستادهای سپاه در مشهد به‌طور مکرر مورد حملات تروریستی آن‌ها قرار گرفتند (خراسان، ۱۳۶۰/۷/۲۸: ۲؛ ۱۳۶۰/۷/۲۲: ۸؛ ۱۳۶۰/۷/۱۱: ۱؛ ۱۳۶۰/۸/۱۸: ۵). مردم هنگام بروز یک عملیات تروریستی تا حضور نیروهای نظامی و انتظامی و حتی پس از آن برای تسریع در بازداشت عوامل، اقدام به برپایی ایست و بازرسی‌های خودجوش کرده و با هرگونه مورد مشکوک برخورد می‌کردند. ازجمله این موارد می‌توان به حضور جمع کثیری از اهالی محله دریادل اشاره کرد که در پی پرتاب مواد آتش‌زا به دفتر انجمن اسلامی محله دریادل تا چندین ساعت موتورسواران در حال تردد را بازرسی کردند (خراسان، ۱۳۶۰/۵/۱۸: ۲). تمرکز آنان بر موتورسواران به آن دلیل بود که غالب عملیات تخریب و ترور با موتور انجام می‌شد (خراسان، ۱۳۶۰/۷/۵: ۲) نیز پس از انجام ترور، اقدام به تعقیب عوامل ترور می‌کردند که در مواردی این عمل به شناسایی و دستگیری عاملان منجر می‌شد. ازجمله این موارد بازداشت ضاربین شهید کامیاب بود (خراسان، ۱۳۶۰/۷/۲۹: ۱).

واحدهای عملیاتی منافقین در برخی از عملیات خود با جبهه متحد مردم و نیروهای نظامی مواجه می‌شدند. ازجمله درگیری میان نیروهای گشت سپاه در چهارراه لشگر که یک کامیوندار با حائل قرار دادن کامیون خود توانست مانع تیراندازی به افراد سپاه و بازداشت عاملین مسلح شود (خراسان، ۱۳۶۰/۱۱/۲۹: ۲). مردم درصورتی‌که امکان می‌یافتند اقدام به دستگیری عوامل تیم‌های ترور مجاهدین می‌کردند. علی‌رغم جدی بودن خطر، آن‌ها در برخی موارد موفق به دستگیری تروریست‌ها نیز می‌شدند. به‌طور نمونه زمانی که ستاد مشترک بسیج منطقه ۷ و نیز سپاه منطقه ۳ مشهد از سوی منافقین موردحمله قرار گرفتند، مردم راه‌بندان ایجاد کرده و ضاربین را دستگیر کردند (خراسان، ۱۳۶۰/۷/۱۱: ۵). در اغلب عملیات تخریب نیز مردم حضور

فعال داشته و همکاری بسیاری با نیروهای نظامی و انتظامی به‌ویژه سپاه که متولی اصلی برخورد با مجاهدین بود داشتند. به دلیل همین همکاری‌ها بود که تعدادی از مردم از سوی منافقین مورد اصابت گلوله قرار می‌گرفتند (خراسان، ۱۳۶۰/۵/۱۹: ۲). ازجمله درگیری که در چهارراه لشگر در ۱۰ آبان ۱۳۶۰ش روی داد دو تن از عابران از سوی آنان مجروح شدند (خراسان، ۱۳۶۰/۸/۸: ٦) و نیز در عملیات ترور یک پاسدار، یک زن عابر مضروب شد. در میان این‌ها گاه زائران نیز دیده می‌شدند چنانکه یک زائر رامهرمزی در ۱۹ مرداد توسط منافقین در خیابان به شهادت رسید (خراسان، ۱۳۶۰/۵/۱۹: ۱). این در حالی بود که پاسداران برای حفظ جان مردم، از تیراندازی در صحنه‌های شلوغ خودداری می‌کردند. به جهت محدودیت سپاه در این موارد، امکان فرار عوامل منافقین فراهم می‌شد (خراسان، ۱۳۶۰/۷/۲۲: ۱).
نقش عمده مردم در دفع خطر منافقین، ارائه اطلاعات خانه‌های تیمی و اعضای سازمان بود. با شروع فاز نظامی، چون سازمان کنشگر به‌حساب می‌آمد، عمده ضربات خود را در تابستان ۱۳۶۰ش وارد کرد. نیروهای امنیتی با وجود برخی توفیقات، هنوز در شوک اتفاق روی‌داده بودند، اما در پاییز ۱۳۶۰ش با مقابله و رصد کردن آن‌ها و اطلاعاتی که مردم و گاه خانواده‌های اعضای منافقین در اختیار می‌گذاشتند (فرمان امام نقش ویژه‌ای در آن داشت) توانستند وزنه را به‌طرف خود سنگین کنند (خراسان، ۱۳۶۰/۴/۲۴: ۱؛ ۱۳۶۰/۷/۲۲: ۵). از مهر ۱۳۶۰ش اخبار کشف و خنثی‌سازی بمب‌گذاری‌ها، دستگیری، تعقیب و کشف خانه‌های تیمی افزایش یافت. این امر هم به‌واسطه افزایش تجربه نیروهای امنیتی و نظامی و هم افزایش تجارب مردم و همکاری وسیع آنان بود. آموزش‌هایی که از طریق رادیو و مطبوعات به مردم داده می‌شد نقش مهمی داشت. به دلیل همین همکاری‌ها بود که موج سوم حملات تروریستی سازمان یعنی هدف قراردادن مردم آغاز شد. سازمان دستگیری‌ها و انهدام خانه‌های تیمی را نتیجه همکاری مردم انقلابی با مأمورین امنیتی-نظامی دانست و خط ترور آن‌ها را به تمام شاخه‌ها اعلام کرد. به دنبال آن بسیاری از مردم کوچه و بازار ترور شدند ازجمله در مشهد: به رگبار بستن نمایشگاه پوستر و عکس جنگ که ۴ نفر از مردم کشته شدند. ترور یک گل‌فروش انقلابی (خراسان، ۱۳٦۰/٦/۲۹: ۱). ترور نافرجام حسن اکبرزاده از فعالین انقلابی محله عدل‌خمینی (خراسان، ۱۳٦۰/٦/۱۷: ۱). به شهادت رساندن سیدجواد مدرس، عضو هیئت کوهنوردی خراسان (خراسان، ۱۳٦۰/۸/۱۸: ۱). به شهادت رساندن یک بلورفروش به نام رضا گفتاری (خراسان، ۱۳٦۰/۸/۱۱: ۱). به شهادت رساندن یک لبنیات‌فروش به نام احمد رستگارمقدم (خراسان، ۱۳٦۰/۸/۱۰: ۸). ترور یک کفاش به نام ابراهیم روائی در محل کارش. شلیک به سر محمدحسن ملازاده به بهانه دادن نامه به و شهادت او همان، ۱۳٦۰/٦/۱۵: ۲). ترور یک بازاری به نام رضا وطن‌خواه (خراسان، ۱۳٦۰/٦/۱۲: ۱). ترور یک خیاط به نام احمد سیرجانی (مراسان، ۱۳٦۰: بولتن کمیته انقلاب: ۸۷۵۱). ترور یک رنگ‌فروش به نام رضا شمقدری (همان، ۸۷۵٦).
این عملکرد منافقین، مردم مشهد را در مقابله مصمم‌تر کرد. بسیاری از مردم مشهد فعالانه در جریان پاکسازی شهر از منافقین شرکت داشتند (مراسان، ۱۳٦۰: ۱۱٤٦۷). این حرکت تبدیل به موج همگانی شد که نتیجه‌اش کاهش عملیات منافقین در پاییز ۱۳٦۰ش بود. منافقین نیروی بسیاری را چه در اثر بریدن اعضا، دستگیری و یا کشته شدن از دست داده بودند. هرچند عملیات‌هایی انجام شد (خراسان، ۱۳٦۰/۱۰/٤: ۹۳۹۲)، اما دیگر خطری محسوب نمی‌شدند و به گفته مقامات امنیتی استان، تشکیلات آن‌ها در مشهد فروپاشید (خراسان، ۱۳٦۰/۱۰/۸: ۱).
شاخه مشهد در ۱۳٦۱ش نیز پس از چند ماه رکود قابل‌توجه، دست به انجام عملیات تروریستی پراکنده‌ای زد. مجاهدین خلق همچنین برای ایجاد رعب و وحشت سعی داشتند انفجارهایی در نمازهای جماعت، ادارات و سازمان‌های مختلف به وجود آورند که پیش از انجام این اقدامات توسط نیروهای امنیتی و نظامی دستگیر شدند و اهداف خود را افشا کردند (مراسان، ۱۲۲٤: ۱). آنان همچنین در تظاهرات ۲۲ بهمن ۱۳٦۵ش ضمن منفجر کردن نارنجک میان مردم، به روی صفوف راهپیمایان رگبار گشوده و سه نفر را شهید و هفتاد نفر را زخمی کردند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳٦۵/۱۱/۲۳: ۳٦؛ خراسان، ۱۳٦۵/۱۱/۲۳: ۱). همزمان با این رویداد حملاتی به دژبانی سپاه در خیابان کوهسنگی و

ساختمان بنیاد مستضعفان نیز انجام شده بود. این عملیات‌ها به دلیل ناتوانی شاخه مشهد، توسط تیم‌های اعزامی از خارج کشور انجام شد (مراسان، ۱۱۹۷۵: ۱). درنهایت سازمان افراد باقیمانده خود در مشهد مانند دیگر شهرهای کشور را به عراق منتقل کرد.

حیات گروه‌های مردمی مشهد بعد از فروکش کردن خطر مجاهدین خاتمه‌یافت و دیگر نامی از آن‌ها در عرصه سیاسی اجتماعی مشهد مشاهده نشد. بیشتر اعضای آن‌ها متوجه جبهه‌های جنگ با عراق شده و تمرکز در شهر به دلیل اتمام مسئله منافقین، به‌طور طبیعی کنار گذاشته شد. هرچند توان دولت در مدیریت عرصه‌های گوناگون کشور که آن نیز در پی خاتمه بحران‌آفرینی گروه‌های محارب بود در این روند تأثیر بالایی داشت، به‌نوعی می‌توان مدعی شد رسیدن به فضای کاهش تکثر گروه‌های سیاسی در ابتدای انقلاب، جدای از عملکرد بسیاری از آن‌ها که باعث حذفشان شد، نتیجه حرکت‌های مردمی در پاکسازی عرصه سیاست و اجتماع از آنان بود و حاکمیت در این موارد بعد از خواست مردم گام برمی‌داشت. بنابراین صحبت از عدم تحمل حاکمیت (بهروز، ۱۳۸۰: ۱۸۱)، نتیجه نادیده گرفتن این حرکت‌های گسترده در تمام کشور است. رصد اقدامات مردم مشهد در مقابل مجاهدین و کنار زدن آرام و گام‌به‌گام آن‌ها نمونه کوچکی از این الگو است. به‌عبارت‌دیگر، گروه‌های پیشتاز، گروه‌های پیرو و به‌تبع آن‌ها اکثریت مردم، عامل حرکت جامعه از مرحله آزمون و خطای جمهوری اسلامی در حوزه آزادی سیاسی -که بسیاری از گروه‌ها آن را به هرج و مرج بدل کردند- به مرحله ثبات حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی بودند.

نتیجه‌گیری

در معادلات مربوط به تکانه‌های اساسی سال‌های ابتدایی انقلاب و ازجمله تهدیدات سیاسی و امنیتی، مردم از بازیگران اصلی محسوب می‌شدند. یکی از این تهدیدها مجاهدین خلق بودند که مردم و ازجمله در مشهد در مواجهه با آنان چه در فاز سیاسی چه در فاز نظامی پیشگام بودند. در فاز سیاسی باوجود پشتیبانی‌های آشکار طاهر احمدزاده، اولین استاندار خراسان پس از انقلاب از مجاهدین، گام‌به‌گام در مقابل تحرکات و برنامه‌های آن‌ها ایستادند. برنامه‌ها و مواضع زاویه‌دار مجاهدین در بسیاری مواقع فضای مشهد را متشنج می‌کرد. مردم مشهد به صورت‌های مختلف به فعالیت علیه مجاهدین پرداختند. این تقابل در ابتدا محدود به چند کانون خاص بود که با توجه به انحرافات ایدئولوژیک مجاهدین، با بدبینی فعالیت‌های سازمان را رصد می‌کردند. با افزایش شکاف مجاهدین خلق با انقلاب اسلامی و آشکار شدن صحنه، تعداد این گروه‌ها افزایش‌یافت. درواقع اوج نقش‌آفرینی کمی و کیفی تشکل‌های مردمی در مشهد به تقابل آنان با مجاهدین خلق مرتبط بود. این تشکل‌ها چندگونه بود: تشکل‌های محلات، تشکل‌های صنفی، تشکل‌های مذهبی و هیئات، جداشدگان از مجاهدین و تشکل‌های عام. این تشکل‌ها از حیث اهمیت، آگاهی، توانمندی و سرعت عمل در یک سطح نبودند. غالب آن‌ها در اتخاذ رویکرد و انجام فعالیت‌های خود چشم به گروه‌های پیشتازی داشتند که در ویژگی‌های نامبرده هم‌ردیف تشکل‌های مطرح پایتخت بودند. روحانیت مبارز مشهد و مجمع احیا تفکرات شیعی در این ردیف قرار داشتند. آنان، هم در حوزه تصمیم‌سازی و هم الگوسازی علیه مجاهدین، محل اقتباس سایر گروه‌ها بودند. نوع فعالیت‌ها نیز در قالب مبارزات قلمی، مقابله با بساط‌ها، برنامه‌ها و تجمعات آن‌ها و نیز واکنش به مراکز و ساختمان‌های آن‌ها قابل دسته‌بندی است. نتیجه این اقدامات ممانعت از تبدیل‌شدن آن‌ها به نیروی سیاسی مسلط شهر بود که می‌توانست مقدمه پیروزی‌های دیگر آنان باشد؛ امری که به‌صورت یکسان در تمام نقاط کشور در حال انجام بود و نتیجه آن ناکامی مجاهدین در بهره‌گیری از شرایط و امکانات سیاسی بود. با نزدیک شدن به فاز نظامی، تعداد و تمرکز این فعالیت‌ها بیشتر شد و دایره مخالفان مردمی از گروه‌های یادشده به تمام مردم گسترش یافت. مردم مشهد نیز با رویکرد و مقیاسی مشابه الگوی کشوری وارد فاز نظامی شدند. با فراخوان مردم از سوی امام برای حل بحران رخ‌داده، اولین گام خود را در برچیدن تظاهرات مسلحانه، باوجود خطرات جانی برداشتند. همکاری با نیروهای نظامی و انتظامی در مواجهه با ترورهای آنان برگ دیگر حضور مردمی علیه مجاهدین بود. شناسایی، تعقیب و بازداشت عوامل تیم‌های ترور در همین راستا انجام می‌شد. همچنین در

بسیاری از صحنه‌های ترور و درگیری مسلحانه خیابانی، به کمک نیروهای نظامی شتافته و مجاهدین را دچار مشکل می‌کردند. نقش ویژه آنان در فاز نظامی ارائه اطلاعات مهم برای کشف و انهدام شبکه زیرزمینی منافقین بود؛ اقدامی که انتقام‌جویی و ترور مردم را از سوی مجاهدین در پی داشت. پس از نابودی شبکه مجاهدین در مشهد، گروه‌های مردمی نیز به‌آرامی منحل شدند.

فهرست منابع

۱. افتخاری، اصغر. (۱۳۷۹). ***انتظام ملی***. تهران: عقیدتی سیاسی ناجا.

۲. امام خمینی(ره)، روح‌الله. (۱۳۷۸). ***صحیفه امام***. ج۱۹. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۳. باقرزاده، طاهره. (۱۳۷۳). ***قدرت و دیگر هیچ: بیست سال با سازمان مجاهدین خلق***. تهران: اطلاعات.

۴. بانک، حسین (۱۳۹۳). «پرکار، خستگی‌ناپذیر و همنشین مردم بود». ***شاهد یاران***. (شماره ۱۱۲)، ۱۴-۱۸.

۵. بهروز، مازیار. (۱۳۸۰). ***شورشیان آرمان‌خواه***. ترجمه مهدی پرتوی. تهران: ققنوس.

۶. تهرانی، صادق. (۱۳۸۷). ***از مجاهدین خلق تا منافقین***. تهران: همشهری.

۷. جعفری، محمدمهدی. (۱۳۸۳). ***سازمان مجاهدین خلق از درون***. تهران: نگاه امروز.

۸. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۵). ***مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام***. ج۲. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۹. حق‌بین، مهدی. (۱۳۹۲). ***از مجاهدین تا منافقین: سیر تاریخی سازمان مجاهدین خلق از آغاز تاکنون***. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۰. دادستانی انقلاب اسلامی تهران. (۱۳۶۳). ***کارنامه سیاه***. ج ۵-۳. تهران: دادستانی انقلاب اسلامی تهران.

۱۱. دادستانی انقلاب اسلامی تهران. (۱۳۶۱). ***کارنامه سیاه***. ج۱. تهران: دادستانی انقلاب اسلامی تهران.

۱۲. داوری‌اردکانی، رضا؛ و سید رضا شاکری. (۱۳۸۸). «امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره)». ***دانش سیاسی***. (سال ۵). ۶۹-۸۶.

۱۳. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (بی‌تا). ***تحلیلی از عملکرد سازمان منافقین***. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۴. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (۱۳۶۱). ***تروریسم ضدمردمی***. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۵. راستگو، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). ***مجاهدین در آیینه تاریخ***. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۶. روشه، گی. (۱۳۸۰). ***تغییرات اجتماعی***. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.

۱۷. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (۱۳۸۹). ***سپاه در گذر انقلاب***. ج۷. تهران: اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۸. سفیری، خدیجه. (۱۳۸۷). شیوه تحقیق کیفی. تهران: پیام پویا.

۱۹. کوشکی، محمدصادق. (۱۳۸۷). ***تبار ترور***. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۰. عطایی، مرتضی. (۱۳۹۳). «مدافع واقعی اهل‌بیت و ولایت‌فقیه بود». ***شاهد یاران***. (شماره ۱۱۲)، ۱۹-۲۳.

۲۱. قنبری، قاسم. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر چرایی ورود منافقین به فاز مبارزه مسلحانه». ***راهنما***. (شماره ۷)، ۳۸-۴۲.

۲۲. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۷). ***ولایت‌فقیه***. قم: تمهید.

۲۳. نودهی، کبری. (۱۳۹۶). «عملکرد گروه‌های چپ‌گرا و ضدچپ‌گرا در مشهد ۱۳۲۰-۱۳۶۰». ***رساله دکتری***. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۲۴. نودهی، کبری؛ و همکاران. (۱۳۹۶). «فراز و فرود فاز سیاسی مجاهدین خلق در مشهد». ***رهیافت انقلاب اسلامی***. (شماره ۳۸)، ۴۱-۶۸.

۲۵. لطفی، انوشیروان؛ و سعید شاهسوندی. (۱۳۶۷). ***دو مقاله***. به‌کوشش موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. تهران: اطلاعات.

اسناد

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

۲۶. ۶۶۳۸/ ۴۳. (۱۳۵۹). «شکور مشکین فام مجاهد خلق! یار ساواک را بهتر بشناسیم»، ۵ص.

ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

۲۷. ۲۸۷۹۲. (۱۳۵۸). «مجموعه پیام‌ها و بیانیه‌های انجمن‌های مختلف اسلامی شهر مشهد در مورد انقلاب اسلامی»، ۱ص.

۲۸. ۱۳۷۴۳۳. (۱۳۵۸). «مجموعه کتابچه‌هایی از سازمان مجاهدین خلق در واکنش به عملکرد گروه‌های چپ»، ۴۶۴ص.

۲۹. ۱۵۰۹۴۶. (۱۳۵۸). «پیام امام و گروهی از هواداران سابق سازمان مجاهدین خلق پیرامون مواضع مذهبی و سیاسی آن سازمان»، ۲ص.

۳۰. ۱۵۰۹۸۵. (۱۳۵۸). «حمایت دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد از سهامی، سرپرست دانشگاه و مخالفت با کارشکنی و دخالت‌های عناصر غیرمسئول»، ۱ص.

۳۱. ۱۵۰۹۹۱. (۱۳۵۸). «انتشار پیام‌هایی در خصوص حمله مسلحانه به ستاد جنبش ملی مجاهدین و سازمان جوانان مجاهد در مشهد»، ۷ص.

۳۲. ۱۵۰۹۷۷. (۱۳۵۸). «اعتراض شورای هماهنگی دانشجو با دانشگاه مشهد به تغییر محل کتابخانه دانشگاه به مسجد و دخالت‌های افراد غیرمسئول»، ۳ص.

۳۳. ۱۵۰۹۸۲. (۱۳۵۸). «انتشار منشوری از سوی جنبش ملی مجاهدین مرکز مشهد در تأکید به همبستگی گروه‌های انقلابی در مواضع ضد استعماری و ضد استبدادی»، ۳ص.

۳۴. ۱۵۱۰۷۸. (۱۳۵۸). «پیام جمعی از مسلمانان عشرت‌آباد مشهد طرفدار سازمان مجاهدین خلق با پیامی در رد اتهامات وارده به آن سازمان در کردستان، گنبد و خوزستان»، ۱ص.

۳۵. ۱۰۰۷۴۶. (۱۳۵۹). «اطلاعیه‌ای از هواداران انجمن دانش آموزان مسلمان مشهد»، ۲ص.

۳۶. ۱۰۰۷۷۶. (۱۳۵۹). «متن مصاحبه چند تن از اعضای انجمن دانش آموزان مسلمان مشهد با آقای علی‌گلزاده غفوری در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران»، ۲ص.

۳۷. ۱۲۸۶۰۳. (۱۳۵۹). «اعلامیه انجمن اسلامی خیابان شهدا مشهد»، ۱ص.

۳۸. ۱۲۸۲۳۵. (۱۳۵۹). «انجمن اسلامی کوی طلاب»، ۱ص.

۳۹. ۱۲۸۶۱۴. (۱۳۵۹). «معرفی کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی مشهد جهت انتخابات مجلس شورای اسلامی»، ۴ص.

۴۰. ۱۲۸۶۸۳. (۱۳۵۹). «نشریه شماره سی و نه سازمان جوانان متعهد مشهد با عنوان خط شیطان»، ۲۲ص.

۴۱. ۱۳۴۷۵۰. (۱۳۵۹). «درخواست گروه کفن پوشان توحیدی از شورای انقلاب جهت انحلال حزب توده»، ۱ص.

۴۲. ۱۳۶۷۷۷. (۱۳۵۹). «اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران»، ۷۷ص.

۴۳. ۱۳۵۷۵۸. (۱۳۵۹). «اعلام حمایت گروه پویندگان در مشهد از قانون اساسی»، ۱ص.

۴۴. ۱۴۰۰۸۲. (۱۳۵۹). «نشریه شماره سی و هفت هشدار وابسته به سازمان جوانان متعهد مشهد»، ۲۷ص.

۴۵. ۱۴۰۰۸۸. (۱۳۵۹). «اعلامیه سازمان جوانان مشهد پیرامون تحلیل درون‌گروهی از فعالیت‌های سازمان مجاهدین»، ۲ص.

۴۶. ۱۵۱۰۳۳. (۱۳۵۹). «تدوین مجموعه‌ای از پاسخ‌های آیت‌الله خمینی به گفته‌های بنی‌صدر و مقالات روزنامه انقلاب اسلامی در خصوص مسائل سیاسی روز توسط انجمن اسلامی خیابان طبرسی مشهد»، ۸ص.

۴۷. ۱۵۱۰۴۹. (۱۳۵۹). «نامه جهاد سازندگی خراسان به استاد محمدتقی شریعتی و درخواستی پیرامون نحوه برخورد ایشان با گروه‌های سیاسی در مشهد»، ۱ص.

۴۸. ۱۰۰۷۰۳. (۱۳۵۹). «اطلاعیه‌ای از هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق مشهد با عنوان دفاع از مستضعفین یا سرکوب زحمت کشان و اشاره به نابینا کردن جوان ۲۲ ساله دست‌فروش در اطراف حرم مطهر»، ۱ص.

۴۹. ۱۵۱۰۴۴. (۱۳۵۹). «انتقاد انجمن جوانان مسلمان چهارراه لشکر و انجمن دانش‌آموزان مسلمان مشهد در حمله به ستاد گروه‌های سیاسی»، ۱ص.

۵۰. ۱۳۵۸۰۲. (۱۳۵۹). «نوشته و تحلیلی از مبارزین آزادی طبقه کارگر تحت عنوان تحلیلی از هیئت حاکمه و جریان اشغال سفارت آمریکا»، ۴ص.

۵۱. ۱۵۱۰۴۷. (۱۳۵۹). «اعتراض جمعی از اصناف مسلمان مشهد به عملکرد و مواضع حزب جمهوری اسلامی»، ۱ص.

۵۲. ۱۰۰۵۷۶. (۱۳۵۹). «اطلاعیه‌های انجمن اسلامی دبیرستان ابن یمین در زمان پیروزی انقلاب اسلامی و خبرنامه دانش‌آموزان پیشگام این دبیرستان»، ۵ص.
۵۳. ۱۲۵۳۲۱. (۱۳۶۰). «صدور اعلامیه‌ای توسط جوانان مسلمان میدان شهدا مشهد»، ۱ص.
۵۴. ۱۲۵۳۲۱. (۱۳۶۰). «صدور اعلامیه‌ای توسط جوانان مسلمان میدان شهدا مشهد»،۱ص.

مراسان (مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

۵۵. ۹۵۰۵. (۱۳۵۸). «مجموعه بیانیه‌های مجاهدین خلق مشهد»، ۹۲ص.
۵۶. ۱۱۱۲۰. (۱۳۵۹). «گزارش‌ها و اعلامیه‌های سازمان‌های سیاسی مذهبی خراسان»، ٦۲ص.
۵۷. ۱۰۰۱۳. (۱۳۵۹). «مجموعه بیانیه‌ها و اعلامیه‌های گروه‌های سیاسی خراسان»، ۱۰۷ص.
۵۸. ۲۹۹۳. (۱۳۵۹). «گزارش‌های درون‌سازمانی مجاهدین خلق مشهد»، ۸ص.
۵۹. ۱۲۰۲۱. (۱۳۵۹). «بیانیه‌های گروه‌های سیاسی علیه مجاهدین خلق مشهد»، ۵۸ص.
٦۰. ۱۰۲۰۵. (۱۳۵۹). «بیانیه‌های گروه‌های سیاسی در مشهد»، ۹۵ص.
٦۱. ۱۱۳۴۷. (۱۳٦۰). «پرونده سعیده خادم الرضائیان از اعضای مجاهدین خلق»، ۷۹ص.
٦۲. ٦۱ ۱۱۴۸۸. (۱۳٦۰). «گزارش‌هایی از حوادث انقلاب فرهنگی در مشهد»، ۵۴ص.
٦۳. ۲۹۸۰. (۱۳٦۰). «گزارش‌هایی از تحرکات گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی در مشهد»، ۷۸ص.
٦۴. ۱۱۴٦۷. (۱۳٦۰). «گزارش‌های سپاه پاسداران مشهد»، ۱۲۵ص.
٦۵. ۱۲۲۳۰. (۱۳٦۱). «چارت‌های تشکیلاتی مجاهدین خلق مشهد»، ۱۴۵ص.
٦٦. ۹۲۳۵. (۱۳٦۱). «اعترافات و بازجویی‌های اعضای مجاهدین خلق در خراسان»، ۱۰۳ص.
٦۷. ۱۰۲۳۰. (۱۳٦۱). «اعترافات ام‌البنین صبوری از اعضای مجاهدین خلق مشهد»، ٦۷ص.
٦۸. ۱۲۲۴. (۱۳٦۱). «گزارش نیروهای نظامی مشهد از تحرکات مجاهدین خلق»، ۱۲٦ص.
٦۹. ۱۱۹۷۵. (۱۳٦۵). «گزارش عملیات منافقین در مشهد»، ۲۵ص.

نشریات

۷۰. ***جمهوری اسلامی***. شماره ۱۱۸، ۱۳۵۸/۷/۱۹.
۷۱. ***خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران***. شماره ۴۱۲، ۱۳٦۵/۱۱/۲۳.
۷۲. ***خبرنامه خراسان***. شماره ۷، ۱۳۵۸/۱۲/۲۱.
۷۳. ***خراسان***. شماره‌های متعدد.
۷۴. ***کار***. شماره ۱۹، ۱۳۵۸.
۷۵. ***مجاهد***. شماره ۴٦، ۱۳۵۹/۲/۱؛ شماره ۴۷، ۱۳۵۹/۲/۳؛ شماره ۴۹، ۱۳۵۹/۲/٦؛ شماره ۵۳، ۱۳۵۹/۲/۱۱؛ شماره ٦۸، ۱۳۵۹/۲/۲۹؛ شماره ۱۱۹، ۱۳٦۰/۲/۱۷
۷٦. ***نسل انقلاب***، شماره ۳، ۱۳۵۹.
۷۷. ***نقش مشهد در انقلاب اسلامی***، شماره ۳، ۱۳۹۲.
۷۸. ***نور ایران***، شماره ۱۷، ۱۳۵۹.

مصاحبه‌ها

۷۹. جلالی، غلامرضا. (۱۴۰۰/۰۸۴/۲۸). محل مصاحبه: مشهد.
۸۰. سرجمعی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷/۰۵/۱۸). بخش تاریخ شفاهی آستان قدس: مشهد.
۸۱. قنبری، قاسم. (۱۳۹۵/۰۴/۲۷). محل مصاحبه: مشهد.
۸۲. متقیان، حسین. (۱۴۰۰/۰۱/۱۵). محل مصاحبه: مشهد.